

توفان در بورس های سهام سرمایه داری

خود همراه بود، از فرانکفورت، پاریس، لندن، هونگ کونگ، آمستردام، بروکسل، میلان، زوریخ، توکیو، سیدنی و کینیاک نیز خبر "سقوط آزاد" سهام رسید. با سقوطهای سهام، بهای دلار نیز در بازارهای جهانی کاهش یافت. روز دوشنبه ۱۹ اکتبر برای سرمایه داری جهانی به "دوشنبه سیاه" معروف شد. در سال ۱۹۲۹، در پی "جمعه سیاه" مشابهی بحران شدیدی سراسر نظام سرمایه داری جهانی را دربر گرفت. پس از "دوشنبه سیاه"، مقامات مالی کشورهای امپریالیستی برای عادی کردن اوضاع به تکیه بر بقیه در صفحه ۱۴

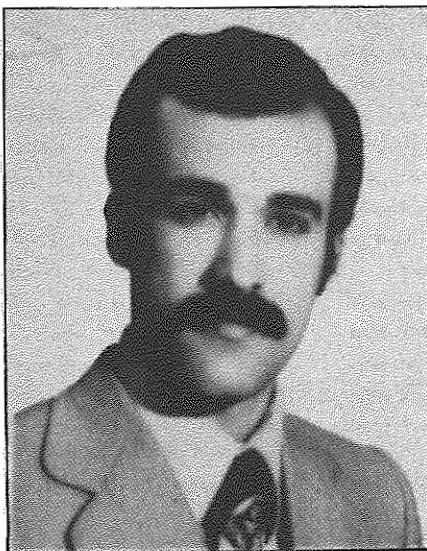
هفته گذشته، آنچه اقتصاددانان سرمایه داری جهانی از ماهها پیش نسبت به وقوع آن هشدار می دادند، روی داد. بورس های خرید و فروش سهام در روزهای ۱۸ و ۱۹ اکتبر، به یکباره شاهد سقوط ناگهانی بهای سهام شد. در بورس وال استریت نیویورک، شاخص داو-جونز که میانگینی از بهای ۳۰ نوع مهم سهام است، برای نخستین بار در تاریخ ۹۰ ساله اش تنها ظرف یک روز ۱۰۰ واحد تنزل کرد. تنها ظرف یک هفته، این کاهش به ۲۲۵ واحد رسید. به دنبال حوادث بورس نیویورک که با هجوم هیستریک دلان و صاحبان سهام برای فروش سهام

اکثریت

نشریه سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۴ آبان ۱۳۶۶ برابر ۲۶ اکتبر ۱۹۸۷
بها ۸۰ ریال - سال چهارم - شماره ۱۸۰

فدایی خلق محمود زکی پور اعدام شد



سحرگاه روز ۲۲ شهریورماه رژیم پلید خمینی یکی دیگر از فدائیان دربند، رفیق محمود زکی پور، کادر برجسته سازمان را به جوخه اعدام سپرد. در این روز آخرین حماسه یک انقلابی پراساپه و فراز دیگری. از ۲۲ سال مبارزه بیکیار و استوار در راه آرمان های انقلابی، در راه رهایی طبقه کارگر و تمامی زحمتکشان، در راه کمونیسم رقم خورد. زمانیکه آتش سرب مذاب دژخیمان جوخه اعدام، قلب گرم او را از طیش می انداخت، هنوز ظنن رسانی آخرین فریادهای رعد آسای او در دفاع از مردم، در ستایش انقلاب، در تجلیل از رزم سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و در بیان نفرت از خمینی دژخیم در تیه های اوین می پیچید. پس آنکه بود که پیکر بی جان او بر خاک افتاد بی آنکه لحظه ای در مقابل دشمن سرفروزر آورده باشد. این ورق پایانی کارنامه عمری مبارزه بی امان یک انسان شریف، یک کمونیست سرفراز بود.

رفیق محمود زکی پور سرفرازانه و بیروزمند، پایان خردی سهمگین، نبردی که ۴۲ ماه، بی قفه در شکنجه گاه ادامه داشت را با شکست و خواری

دشمن ددمتش فریاد کرد.

در صفحه ۲

آتش افروزی آمریکا و جمهوری اسلامی در خلیج فارس

هفته گذشته، هفته اوچ گیری تشنج در خلیج فارس بود. آمریکا به دوسکوی نفتی ایران حمله برد و جمهوری اسلامی مجدداً به ست پایانه نفتی کویت در بندر الاحمدی موشک پرتاب کرد. کویت و عربستان در آستانه مقابله مستقیم نظامی با جمهوری اسلامی قرار گرفتند و آمریکا تهدید کرد که حمله موشکی جمهوری اسلامی به پایانه نفتی کویت را بی پاسخ نخواهد گذاشت.

حمله به کشتی های تجاری نیز ادامه داشت. جمهوری اسلامی بر تبلیغات عوام فریبانه "ضداستکباری" خود افزود و از اقدامات تلافی جویانه سخن گفت. تروریسم نیز بر این جو تشنج آمیز افزوده گشت، در کویت بمبی منفجر شد و گروه های دست نشانده رژیم خمینی در لبنان اعلام کردند که در تدارک دست زدن به اقدامات پسر و صدای تروریستی به نفع جمهوری اسلامی اند.

از این آتش افروزی ها هم آمریکا نفع می برد و هم جمهوری اسلامی. دولت ریکان اکنون فاز فرستادن نیروی نظامی به منطقه خلیج را پایان یافته تلقی می کند و در صدد تثبیت حضور نظامی با ابعاد بقیه در صفحه ۲

حمله آمریکا به دوسکوی نفتی ایران

در ساعت ۹ و ۲۰ دقیقه صبح روز دوشنبه ۲۷ مهر چهار رزمناو آمریکایی به دوسکوی نفتی رخس ورستم واقع در ۱۰۰ کیلومتری غرب جزیره لاوان و در منتهی الیه غربی خلیج فارس، حمله بردند و به مدت ۹۰ دقیقه این دوسکو را به زیر آتش گرفتند. در این حمله عده ای زخمی شدند و دوسکو به کام آتش فرو رفت. خسارت وارده ۵۰۰ میلیون دلار برآورد می شود.

و این پرگر وزیر دفاع آمریکا، پس از این حمله نظامی یک کنفرانس مطبوعاتی تشکیل داد و به آتش کشیدن دوسکوی نفتی ایران را یک اقدام دفاعی توصیف کرد. و این پرگر گفت که این حمله در تلافی حمله موشکی جمهوری اسلامی به یک نفتکش دارای پرچم آمریکا، در سه روز پیش از آن، صورت گرفته است.

فیتزواتر سخنگوی کاخ سفید آمریکان نیز در یک کنفرانس مطبوعاتی اعلام کرد که ریکان یک روز بعد بقیه در صفحه ۲

در این شماره

● جاقو کسان خمینی حادثه آفرینی می کنند
در صفحه آخر

● جمهوری اسلامی و مسئله بیسوادی
در صفحه آخر

● میزگرد احزاب بزرگ دانمارک
علیه جنگ خونین ایران و عراق
در صفحه ۶

● صدمین سالگرد تولد جان ریچ
گزارشگرده روز دوران ساز
در صفحه ۹

حمله جمهوری اسلامی به یک پایانه نفتی کویت

جمهوری اسلامی، پس از حمله آمریکا به دوسکوی نفتی ایران، اعلام کرد که دست به یک اقدام تلافی جویانه خواهد زد. حمله موشکی ۲۴ مهر جمهوری اسلامی به یک نفتکش کویتی دارای پرچم آمریکا در بندر الاحمدی نشان داده بود که رژیم بر آن است که تلافی حملات آمریکا را بر سر کویت درآورد، به قول نماینده جمهوری اسلامی در سازمان ملل "عقل خود را از دست ندهد" و از رویارویی مستقیم با آمریکا بهره میبرد. جمهوری اسلامی پس از حمله آمریکا به سکوی نفتی رخس ورستم، باز همین شیوه را پیش گرفت.

رژیم در صبح روز ۵ شنبه ۳۰ مهر از بندر عراقی فاو - که بخشی از آن راتحت اشغال خود دارد - موشکی به سوی پایانه نفتی کویت در بندر الاحمدی پرتاب کرد که منجر به شعله و روشن شدن آن شد و خسارات فراوانی بقیه در صفحه ۲

جاودان باد خاطره شهیدان به خون خفته خلق!

آتش افروزی آمریکا و جمهوری اسلامی در خلیج فارس

بقیه از صفحه اول

کنوئی آن است. برای تثبیت حضور یک ماشین جنگی کامل در منطقه ای توفانی، دلایل و بهانه های کافی لازم است، دلایل و بهانه هایی که اگر در واقعیت وجودند داشته باشند باید آن ها را تراشید و ایجاد کرد. جمهوری اسلامی در این زمینه به حد کافی به آمریکا خدمت کرد. دولت ریگان اکنون دم از "دفاع از خود" می زند و بایستی شرمی و وقاحتی که کف زدن نمایندگان کنگره آمریکا را از بی آورد، حمله به سکوی نفتی ایران را منطبق با منشور سازمان ملل متحد و حقوق بین المللی در زمینه حق دفاع در برابر اقدامات خصمانه دانست. تلاش در جهت فروش هرچه بیشتر اسلحه به عربستان سعودی و نیویورک تحت حمایت قراردادادن نفت کش های کویتی بدون پرچم آمریکا نیز مکمل امر تثبیت حضور نظامی شد. ریگان اکنون در انتظار کشورهای عربی مرتجع، متحدین شاتویی و محافظ جنگ طلب در آمریکا نه به عنوان کارگردان فضااحت ایران کویت بلکه به عنوان یک "رامبو" و کاپوی چلو می نماید که در خلیج هفت تیرکشی می کند تا گاو وحشی حکومت فقها را مهار سازد و جلوی شاخ زدن آن به کشورهای عربی منطقه را بگیرد. ریگان همچنان با شعارهای صلح طلبانه، سیاست قایق های توپدارپیش می برد و

در رویای آن است که در خلیج فارس همانگونه حضور آمریکایی ها را موجه جلوه دهد که در خلیج سانفرانسیسکو. جمهوری اسلامی با آتش افروزی در خلیج فارس راهی برای کربلای اژداساز جهان برای پایان دادن به جنگ، جستجو می کند. جمهوری اسلامی می کوشد به تشنج در خلیج فارس بار مستقلاً از جنگ ارتجاعی با عراق دهد و در ژوئیه پرده دود آتش افروزی مشترک با آمریکا در منطقه، همچنان شعار جنگ تا پیروزی را سر دهد. رژیم سرکشته و درمانده است، در باتلاق دست و پامی زند و از درماندگی است که در آتش افروزی های تازه راه فرار می جوید.

دست و پا زدن های رژیم ره به چایی نمی برد. آتش افروزی در منطقه برای جمهوری اسلامی مشکلات شویی پدید می آورد. مشکلاتی که ابعاد آن می تواند به مراتب فراتر از ابعاد مشکلات پیشبرد جنگ با عراق باشد. تناقض درونی سیاست رژیم در همین جا است. سیاست آمریکا نیز دستخوش تناقض مشابهی است. از همین روست که هر دو طرف می کوشند با احتیاط با آتش بازی کنند. اما آتش همواره تحت کنترل نیست و می تواند در کنش و واکنش هایی زنجیره ای گسترش یابد.



سکوی نفتی ایران قبل از نابودی

حمله آمریکا به دو سکوی نفتی ایران

بقیه از صفحه اول

از حمله موشکی جمهوری اسلامی به کشتی کویتی، این تصمیم را اتخاذ کرد و نمایندگان کنگره را در جریان آن قرار داد. نمایندگان کنگره آمریکا پس از حمله به دو سکوی نفتی، اقدام

دولت ریگان را ستایش کردند و با تاکید بیش از گذشته، حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس را تایید کردند. متحدین شاتویی آمریکا و مقدم بر همه آلمان فدرال بر اقدام



موقعیت جغرافیایی دوسکوی نفتی ایران و بندر کویتی الاحمدی.

عربستان سعودی و کویت از اقدام نظامی آمریکا به شدت استقبال کردند. عربستان سعودی اعلام کرد که اقدام مثبت بود اما آمریکا لازم بود که هدف های عده تری را به ژوئیه آتش می گرفت! عربستان آشکارا خواهان مداخله نظامی فعال آمریکا در صحنه خلیج فارس است.

مداخله گرایانه ایالات متحده صحنه نهادند. این اقدام از جانب اتحاد شوروی به شدت محکوم شد و به عنوان دخالت مستقیم آمریکا در خلیج فارس و یک ماجرایی نظامی قلمداد گشت که بر و خامت اوضاع می افزاید و برخلاف مفاد قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت است.

حمله جمهوری اسلامی به یک پایانه نفتی کویت

بقیه از صفحه اول

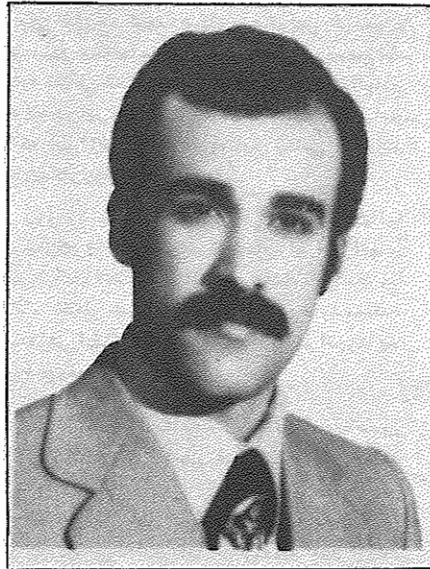
بندر الاحمدی کویت واکنش نشان داد و گفت جمهوری اسلامی پاسخ این حمله را خواهد گرفت. وی افزود "ما به آیت الله خمینی حالی می کنیم که نمی تواند این رویه را ادامه دهد." این سخنان به معنی اعلام آمادگی برای دست زدن به یک اقدام نظامی دیگر از سوی آمریکا تلقی شد.

به پارس آورد. ۸۰ درصد نفت صادراتی کویت از ایس پایانه بارگیری می شده است. کویت بلافاصله اعلام کرد که این اقدام جمهوری اسلامی را تلافی خواهد کرد. عربستان سعودی و عراق با کویت اعلام همبستگی کردند و شاه ولی قلیبی، رئیس اتحادیه عرب اعلام کرد که همه کشورهای عربی از کویت پشتیبانی به عمل می آورند.

ریگان در یک کنفرانس مطبوعاتی در واشینگتن در برابر حمله موشکی جمهوری اسلامی به

اکنون در خلیج فارس همه در حال آماده باش جنگی به سر می برند. جنگ افروزی آمریکا و جمهوری اسلامی نگرانی همه جهانیان را برانگیخته است.

فدایی خلق محمود زکی پور اعدام شد



رفیق محمود زکی پور ۴۱ سال پیش به دنیا آمد. دوران کودکی و نوجوانی را در شهر زادگاه خود آبادان در کنار نفتگران، در میان کودکان و نوجوانان همای خود در پس کوچه‌های کفیه و احمدآباد گذراند. از همان هنگام و هنگامیکه دوران مدرسه را به پایان می‌رساند، وجود او با رنج کارگران نفتگر، درد کارگران پاراندازه، غم تنهایی ملاحان از کار بازمانده، اندوه غربت کارگرانی که از اقصای نقاط میهن به آبادان می‌آمدند و در جستجوی کار راهی آن سوی خلیج می‌شدند، آمیخته می‌شد. بدینگونه بود که راه مبارزه یک انقلابی استواری ریخته شد.

زمانی که در نیمه اول دهه ۴۰ برای تحصیلات دانشگاهی به تهران آمد، در پیوند با مبارزات دانشجویی راه خود را دنبال کرد و در تماس با محافل و هسته‌های دانشجویی مارکسیستی، ضرورت انقلاب اجتماعی را دریافت و قانونمندی‌های تحولاتی را بازشناخت که دمکراسی و زبانی واقعی را بهار می‌آورد. از آن پس پیگیرانه راه مبارزه سازمان یافته از طریق شرکت در هسته‌های مخفی رزمنده علیه رژیم شاه را برگزید. وی در همین راستا در تمامی حرکات مبارزاتی توده‌ای آن سالها، در تظاهرات بزرگ چهل تختی، در اعتصاب علیه گران شدن پلیط اتوبوس و... شرکت فعال داشت.

با اعلام رژیم‌پویانه موجودیت جنبش فدائی در سیاهکل، رفیق محمود زکی پور با همه وجود خود راه فدائیان خلق را در پیش گرفت و به مثابه یک فدائی ثابت قدم رزم خود را پی گرفت. رفیق محمود در سال ۱۳۵۱ توسط ساواک شاه شفا سایی و دستگیر شد. دو سال زندان را به شایستگی گذراند و از آن برای افزودن بر دانش مبارزاتی خود بهره گرفت. او که بخشی از سال‌های زندان را همراه با رفیق بیژن جزئی گذرانده بود، بیشترین کوشش خود را در جهت تجهیز به دانش و تجربه این رهبر کرافتور سازمان به کار بست. و قتی که در سال ۵۳ از زندان آزاد می‌شد همراه با خود تمامی ریز شوشته‌های رفیق جزئی را به خارج از زندان منتقل کرد و بهزودی در تماس و پیوند با سازمان تمامی آنها را در اختیار سازمان قرار داد. انتقال آخرین جمع بندی‌های رفیق بیژن سهم وافر و در ارتقای فطری

روبارویی با مردی برخاستند که سرشار از عشق به مردم و ایمان به پیروزی، به آشان "نه" می‌گفت. ماه‌های متوالی شکنجه شد. جسم او تنگیده و در هم شکسته شده بود، دست چپش فلج شد. به‌گونه‌ای که دیگر هیچ‌گاه درمان نشد. قدرت شنوایش مختل شد و... اما همانگونه که شایسته یک فدایی خلق است، باید ارماند.

پس از این که به زندان اوین منتقل شد، همه آموخته‌های سال‌های دور در زندان شاه را به کار گرفت. می‌بایست تمامی تجارب پیشین در جهت ارتقای روحیه رزمنده زندانیان سیاسی به کار بسته شود، تهاجم زندانبانان در اعمال تضيیقات بیشتر خنثی شده و مبارزه متحد زندانیان برای تامین حقوق خود گسترش یابد. در زندان فضایی ساخته شود که تشبثات مزدوران ولایت فقیه برای وادار ساختن زندانیان به انکار عقاید خود هرچه بیشتر به ناکامی بنشیند و... او می‌دانست که مبارزه در این راه در سیاه‌چال‌های رژیم، از سوی جلادان با چه سبیتی پاسخ داده خواهد شد.

در اعتصاب غذای بزرگ آبان ماه ۶۵ رفیق زکی پور نخستین کسی بود که پس از اشتغال به سلول انفرادی اعلام اعتصاب غذا کرد و آخرین کسی بود که اعتصاب غذایش در بیمارستان با سرم پایان گرفت. در این زمان ۱۴ کیلو از وزن پدش را از دست داده بود.

مامورین دادستانی در همان بیمارستان رفیق محمود را تحت بازجویی قرار دادند و تهدید کردند که او را خواهند کشت. رفیق پاسخ خود را در زندان با پیگیری راهی که در پیش گرفته بود، داد. رفیق محمود زکی پور در اعتصابات بعدی و از جمله در اعتصاب غذای تاهستان اسال همچنان نقش سازمانگر خود را ایفا کرد.

وقتی که در پیدادگاه در برابر فقهای پلیید قرار گرفت به دفاع پرداخت. دفاع از مردم، از انقلاب، از کمونیسم و از سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)، حکم فقها نیز از پیش روشن بود. او در سحرگاه روز ۲۳ شهریور در برابر جوخه اعدام قرار داده شد. رکهار آتش دژخیمان دل چون آتش او را مشبک ساخت اما این دشمن بود که در مقابل او به خاک افتاده

و تقایف متعدد و حساسی را برعهده گرفت. فقهی که این رفیق قدیمی سازمان در این دوران دشوار ایفا کرد، از ستایش انگیزترین فصول دوران حیات سراسر مبارزه او بود. یک لحظه قرا و آرام نداشت. چاه‌هایی امکانات، ایجاد امکانات تازه، سازماندهی ارتباطات ضروری و متناسب با شرایط نوین برای واحدهای سازمانی و... آن‌ها که در این دوران سخت با رفیق زکی پور کار می‌کردند هیچگاه قادر نخواهند بود شکبایی و آرامشی را که او ضمن انجام همه آن کارهای دشوار از خود برومی‌داد و آن همه نیروبخش بود، از خاطر فراموش کنند. ساواک خمینی که این رفیق قدیمی راشفا سایی کرده و از موقعیتش در سازماندهی جدید تشکیلاتی با خبر بود، امکانات بسیاری را برای ردگیری او بسیج کرد. در شهریور ۶۲ ساواک خمینی توانست یکی از محل‌های قرار او راشفا سایی و محل را به محاصره در آورد. تجربه و خونسردی و نیز قاطعیت رفیق زکی پور نقشه دشمن را خنثی کرد. محمود تواضت خود را از حلقه محاصره نجات دهد. اما اقدامات ساواک برای ردگیری او همچنان ادامه یافت. دژخیمان خمینی در بهمن ماه ۶۲ رفیق محمود را به دام انداختند.

رفیق زکی پور یک بار دیگر پس از ۱۱ سال و این بار به دست ساواک خمینی به سیاه‌چال کمیته منتقل گردید و بلافاصله شکنجه‌های مخوف آغاز شد. درنده‌خوترین دژخیمان خمینی با کاربست سباحت‌ترین شکنجه‌ها به

سازمان ایفا کرد. از آن پس رفیق زکی پور همراه با سازمان استوارتر از همیشه مبارزاتش را دنبال کرد.

در سال ۵۷ با اوچ گیری انقلاب رفیق محمود همانگونه که شایسته یک فدایی خلق بود، در سازمانگری مبارزات انقلابی حضوری فعال داشت. وی بهیژه در پیوند با جنبش کارگری ایفای وظیفه می‌کرد و از همین طریق توانست سهم شایانی در متشکل ساختن کارگران در شوراهای کارگری برعهده بگیرد. این، یکی از برجسته‌ترین و پایدارترین دستاوردهای مبارزاتی این رهرو پیگیر طبقه کارگر محسوب می‌شود. در سازماندهی شوراهای کارگری سازمان گسترش که از جمله شوراهای نیرومند و با هویت روشن طبقاتی کارگران بود، رفیق زکی پور نقش درجه اول را ایفا کرد. در تظاهرات عظیم و پرشکو کارگران تهران در اول ماه مه ۱۳۵۸ نیز وی از جمله سازماندهان اصلی بود. فقه او در سازماندهی تشکلهای حرکات کارگری، ایادی ارتجاع را چنان به خشم واداشته بود که چه در مجامع کارگری و چه در مطبوعات دولتی به پاوه‌گری علیه او پراختفت.

رفیق زکی پور همواره مسئولیت‌های سازمانی سنگینی را برعهده داشت که همه آن‌ها را با شایستگی به پیش می‌برد. در سال ۶۲ وقتی که تهاجم سکین رژیم ولایت فقیه علیه سازمان آغاز شد، رفیق زکی پور با اراده و ایمان استواری که شمره سال‌های دراز مبارزه بود،

روابط ایران و فرانسه در راه خروج از بن‌بست

روژنامه فرانسوی فیکارو روز ۲۵ مهر به نقل از معاون نخست‌وزیر جمهوری اسلامی شوش طلی هفته‌های آینده شاهد تغییر در روابط پاریس و تهران خواهیم بود. فیکارو به نقل از معاون موسوی افزود: این تغییر به منزله عادی‌سازی روابط بین تهران و پاریس نخواهد بود لکن این وضعیت از بن‌بست خارج خواهد شد و روند عادی‌سازی روابط بعداً شروع خواهد کردید. معاون نخست‌وزیر توضیح داد: "در حال حاضر کوششهایی برای حل وضعیت فعلی جریان دارد."

بن‌بست روابط ایران و فرانسه اوایل تیرماه سال جاری با "جنگ سفارتخانه" ای این دو کشور آغاز شد. در پاریس پلیس فرانسه سفارت جمهوری اسلامی را به منظور دستگیری وحیدگرچی به محاصره درآورد و در تهران حزب اللهی‌ها و پاسداران سفارت فرانسه را اشغال کردند. در تهران ۱۰ تن از دیپلماتهای فرانسوی و در پاریس چهل تن از کارکنان و وابستگان جمهوری اسلامی فرصت ضیافت پیش از اشغال سفارتخانه‌ها آن را ترک کنند. پلیس فرانسه اعلام کرد تا زمان حضور وحیدگرچی در دادگاه جهت ادای توضیحات کسی حق خروج از ساختمان سفارت را ندارد. در تهران نیز جمهوری اسلامی به اقدام مشابهی دست زد. بنابه اظهارات پلیس فرانسه وحیدگرچی در بمب‌گذاریهای سال گذشته در پاریس دست داشته است. در پی این رخدادها روابط سیاسی جمهوری اسلامی و فرانسه قطع گردید.

ماه گذشته جمهوری اسلامی درخواست کرد به ده تن از کارکنان سفارت که از موقعیت دیپلماتیک برخوردار نیستند اجازه خروج از فرانسه داده شود. هفته گذشته رافه‌های خبری جمهوری اسلامی به نقل از خبرگزاری فرانسه اطلاع دادند که دولت فرانسه سرگرم بررسی پیشفهاد جمهوری اسلامی برای اجازه خروج ده تن از کارکنان اداری سفارت ایران در پاریس است.

با اعلام این خبر معیری معاون سیاسی موسوی در دمشق خواستار عادی‌سازی روابط ایران و فرانسه و بازگشت اوضاع به قبل از "جنگ سفارتخانه" م‌اشد.

مخالفت وسیع نسبت به صدور ژنراتور بخاری به ایران

ژنراتورها ۲۵ متر طول و ۵ متر قطر دارند و به یک آپکرمکن بزرگ شبیه هستند. مسئولین شرکت و نخست‌وزیر ایتالیا مدعی هستند که از این تجهیزات استفاده نظامی نخواهد شد. اما مطبوعات ایتالیایی نوشته‌اند در ایران معمولاً نفت و سوخت حرارتی این شک که این ژنراتورها در صنایع نظامی و مراکز هسته‌ای بکار روند وجود دارد.

روز ۱۶ مهر هواداران برخی احزاب ایتالیا برای جلوگیری از صدور ژنراتورها به ایران راهپای خروجی شرکت لانسالدو را مسدود کردند. اما علیرغم مخالفت افکار عمومی ایتالیا و کشورهای منطقه، نخست‌وزیر ایتالیا اعلام کرد صدور ژنراتورها به ایران هیچ منعی ندارد.

طبق تصمیم مقامات ایتالیایی، صدور ژنراتورها از طریق آلمان فدرال صورت خواهد گرفت.

همزمان با آغاز ارسال تجهیزات یادشده به تهران، لاریجانی معاون بین‌المللی وزیر امور خارجه وارد ایتالیا شد. براساس گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی لاریجانی با مقامات ایتالیایی در مورد این ژنراتورها نیز گفت‌وگو می‌کند.

ایران در معرض قحطی و گرسنگی است

هفته گذشته وزیر کشاورزی در تهران در کفره بررسی نحوه نگهداری مواد غذایی اعلام کرد: "جمعیت ۵۰ میلیون نفری کشورمان با امکانات محدود منابع آب و خاک ورشد ۲/۸ درصدی خود، در معرض قحطی و تهدید گرسنگی قرار گرفته است."

ژالی در ادامه سخنان خود توضیح داد که "کالری مورد نیاز جمعیت کشورمان در دوره‌های ۵ ساله آینده به ترتیب از ۵۱ هزار میلیارد به ۶۲ و ۷۴ و ۱۰۰ هزار میلیارد کالری افزایش خواهد یافت درحالی که با امکانات جاری، تولید کشور از ۲۸ هزار میلیارد کالری دوسال تجاوز نمی‌کند."

به دلیل امکان استفاده در تولید سلاح اتمی

بنابه نوشته روزنامه "ال‌ماساچرو" چاپ ایتالیا، شاذلی قلیبی دبیرکل اتحادیه عرب روز سه‌شنبه ۲۱ مهر با ارسال یک تلگرام فوری و سری به چولپوآندره شوتی وزیر امور خارجه ایتالیا خواستار قطع صدور ۸ دستگاه ژنراتور بخاری به تهران شد. در تلگرام دبیرکل اتحادیه عرب تأکید شده است صدور این تجهیزات به تنهایی برای منطقه بلکه برای کل جهان خطرناک هستند.

طبق نوشته مطبوعات ایتالیا از این ژنراتورها می‌توان برای مقاصد نظامی و تولید سلاحهای اتمی استفاده کرد.

قرارداد تولید و ارسال این ژنراتورها سالها پیش بین ایران و یک شرکت آلمانی بنام KNU به امضا رسیده بود. پس از مدتی شرکت آلمانی تولید آنها را به یک شرکت ایتالیایی بنام "لانسالدو" واگذار کرد. لانسالدو ژنراتورها را تولید کرد اما اوضاع ایران برای صدور آنها مناسب نبود. ژنراتورها چندسال با هزینه ایران در انبارهای لانسالدو نگهداری شدند. اکنون مدیران شرکت و مسئولان جمهوری اسلامی انتقال آنها را به ایران مناسب دیده‌اند.

دیدار موسوی با حافظ اسد در دمشق

میرحسین موسوی نخست‌وزیر روز یکشنبه ۲۶ مهرماه به منظور دیدار رسمی از سوریه وارد دمشق شد. در این سفر، رفیق دوست وزیرسیاه پاسداران اسلامی، علیرضا معیری معاون سیاسی نخست‌وزیر، بهارتنی قائم مقام وزیر امور خارجه و جمعی دیگر از مقامات جمهوری اسلامی همراه موسوی بودند. موسوی در تهران اعلام کرده که "این مسافرت از معنا و مفهوم خاصی برخوردار است."

هنوز اطلاعاتی درباره علت مسافرت شتابزده نخست‌وزیر رژیم به سوریه انتشار نیافته است. این سفر در تابستان گذشته ظاهراً به علت بیماری نخست‌وزیر سوریه انجام نگرفت.

هفته گذشته بدون آنکه صحبتی از سفر موسوی به دمشق در میان باشد، معیری معاون سیاسی وی همراه هیاتی وارد دمشق شد و با نخست‌وزیر سوریه و فاروق الشرع وزیر امور خارجه به گفتگو و مذاکره پرداخت.

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، طی دیدار موسوی و مقامات سوریه که سه روز به طول انجامید، جنگ ایران و عراق، مسئله لبنان، مسایل منطقه و روابط کشورهای عربی مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در پایان، سه کمیسیون برای پیگیری مسایل مورد مذاکره تشکیل شد.

موسوی در سوریه، کشورهای عربی را به چابنداری از سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی دعوت کرد. بنا به اطلاعیه رسمی دولت سوریه قرار است حافظ اسد نیز در اجلاس سران کشورهای عربی که روز ۸ نوامبر در امان تشکیل می‌شود، شرکت کند. در این اجلاس جنگ ایران و عراق و اجرای قطعنامه اخیر شورای امنیت مورد بررسی قرار خواهد گرفت.



تعمیر چراج برای مقابله با سرمای زودرس در تهران

جمهوری اسلامی و مسئله بیسوادی

بقیه از صفحه اول

نمایند.

در پایان سرشماری سال ۱۳۶۵ رسماً اعلام کرد که بیش از ۲۰ میلیون نفر در ایران از توانائی خواندن و نوشتن محروم هستند. بخش اعظم بیسوادان کشور را زنان تشکیل می‌دهند و به لحاظ موقعیت زندگی، پافت اجتماعی بیسوادان، عمدتاً شامل روستائیان و حاشیه‌نشینان شهری می‌باشد. بنابه اعتراضات رسمی خود رژیم، در ۲۰ هزار روستای کشور کمترین امکانات آموزشی وجود ندارد و این کارنامه واقعی رژیم جمهوری اسلامی در عرصه "تهدت با بیسوادی" است.

هم رژیم شاه و هم رژیم خمینی در چاروچنگال مبارزه با بیسوادی بدین‌گونه وانمود کرده و می‌کنند که گویا میلیون‌ها نفر از جمعیت کشور تنها از سرتن پروری و تن آسانی از آموزش و سوادآموزی تن زده‌اند. آنها همواره کوشیده‌اند تا ریشه‌های اجتماعی بیسوادی را که خود مقصران اصلی دوام و بقای آن هستند را کتمان

زادخانه نخست‌وزیری رژیم خمینی اخیراً با ابلاغ یک بخشنامه جدید به کلیه ادارات، موسسات، وزارتخانه و سازمانهای دولتی تصریح کرده است که استخدام افراد بیسواد ممنوع می‌باشد. از سوی دیگر محمدحسن پاسوار که یکی از مدیران کل سازمان امور اداری و استخدامی رژیم است در مصاحبه‌ای با روزنامه کیهان ۲۵ مهرماه فراتر از بخشنامه نخست‌وزیری عنوان نموده است که از این پس کارگران بیسواد به علت ایجاد کندی در کار اخراج خواهند شد. رژیم جمهوری اسلامی بدین وسیله کوشیده است تا سیاست اخراج گسترده کارگری را از این حیث نیز تغذیه کند. بخشنامه اخیر رژیم جمهوری اسلامی و تلاش‌های مذبح‌خانه دواشو ادارات رژیم، یک اقدام ضد کارگری است که در پیش مبارزه با بیسوادی تجلی یافته است.

چاقو کشان خمینی حادّه آفرینی می‌کند

بقیه از صفحه اول

فرد مزبور سریعاً ماچرا را به پلیس فروز و سازمان‌های بین‌المللی اطلاع می‌دهد. در همان روز دفتر سازمان حمایت از پناهندگان در اسلو به این امر اعتراض می‌کند و از دولت نروژ خواهان اخراج دیپلمات مزبور از کشور می‌گردد.

بنا بر برخی اظهارات این چندمین پارست که شخص موردنظر و دیگر اوپاش لانه تروریستی خمینی در نروژ قصد کشتن پناهنده مزبور را کرده‌اند. یک پار دیگر نیز دوا ايراني ناشناس با یک یورش ناگهانی این دختر پناهنده را مورد ضرب و جرح قرار داده بودند.

دو حادثه‌ای که در ایتالیا و نروژ روی دادند تنها و تنها موجب تشدید فعالیت‌های افشاگرانه ایرانیان مبارز در خارج کشور خواهند شد. اقدامات اوپاشانه رژیم در خارج از کشور، تف سربالایی است که به چهره کثیف خود او بر خواهد کشت.

شیروهای ترقیخواه و دمکرات ایتالیایی را برافکینخت. هنوز رفیق هوادار سازمان - که به سبب ضرب و جرح به سختی آسیب دیده بود - از پخش چراحی بیمارستان مرخص نشده بود که سیل پیامهای همبستگی و همدردی شیروهای مرقی ایتالیا خطاب به فداییان خلق به بیمارستان سرازیر شد. واکنش فوری شیروهای پیشرو و انساندوست ایتالیا بارزترین گواه پیژاری بشریت از دمل چرکینی است که در هیئت جمهوری اسلامی بر پیکر تاریخ میهن ماروئیده است.

ضمونه از اعمال مزدوران رژیم، حادثه‌ای است که خبر آن در روز ۱۷ مهر برابر ۹ اکتبر از طریق رادیو و تلویزیون سراسری فروز به آکامی عموم رسید. طبق گزارش رادیو - تلویزیون نروژ یکی از کارمندان سفارت جمهوری اسلامی در اسلو قصد داشت یک دختر پناهنده سیاسی ایرانی را با اتوموبیل زیر بگیرد و به قتل برساند.

پروتکل اقتصادی ایران و شوروی در مسکو امضا شد

در پایان سفر هیات اقتصادی نفتی جمهوری اسلامی به شوروی یک پروتکل اقتصادی بین کنستانتین کاتاشوف رئیس کمیته دولتی اتحاد شوروی برای مناسبات خارجی و غلامرضا آقازاده وزیر نفت و سرپرست هیات اقتصادی جمهوری اسلامی به امضا رسید.

این پروتکل شامل مطالعه کارشناسی و فنی پروژه خط لوله نفت ایران به شوروی و همچنین تبادل نفت خام در مقابل فرآورده، بین دو کشور است. از طریق خط لوله مذکور نفت خام از جنوب ایران از طریق خاک شوروی به دریای سیاه منتقل می‌شود.

آقازاده روز پیششنبه ۲۲ مهر قبل از ترک تهران در فرودگاه مهرآباد به خبرنگاران گفت که در مسکو اکثراتی با مقامات شوروی در رابطه با صدور گاز ایران از طریق شوروی افهام خواهد داد. وی افزود، جهت صدور گاز، از خط لوله "ایکات یک" که از جنوب به آستارا و از آنجا به شوروی کشیده شده است، استفاده می‌شود و برای صدور نفت نیز از یک خط لوله دیگر به نام "ایکات دو" استفاده خواهد شد.

"ایکات دو" در حال حاضر از جنوب تا اصفهان امتداد دارد و برای آماده‌سازی آن به منظور صدور نفت، این خط لوله از اصفهان تا آستارا ادامه پیدا خواهد کرد. در پروتکل، ظرفیت این خط لوله تا سقف یک میلیون بشکه در روز پیش‌بینی شده است.

وزیر نفت پیرامون خرید و واردات فرآورده‌های نفتی از شوروی توضیح داد که قرارداد خرید روغن و برخی دیگر از فرآورده‌ها در حال حاضر بین دو کشور منعقد است و در مسکو قرارداد مذکورها

افزایش در حجم آن تمهید خواهد کردید.

بر اساس پروتکلی که در مسکو به امضا رسید، دولت اتحاد شوروی موافقت کرد در مقابل دریافت صدهزار بشکه نفت خام در روز، معادل آن فرآورده‌های نفتی به ایران تحویل دهد. بنابه اظهارات آقازاده، مبادله این فرآورده‌ها در بنادر انزلی، فوشر و نکا واقع در دریای خزر و همچنین مرز چلفا در استان آذربایجان شرقی صورت خواهد گرفت. در پروتکل، افزایش نفت خام تحویلی تا دوپست هزار بشکه پیش‌بینی شده است.

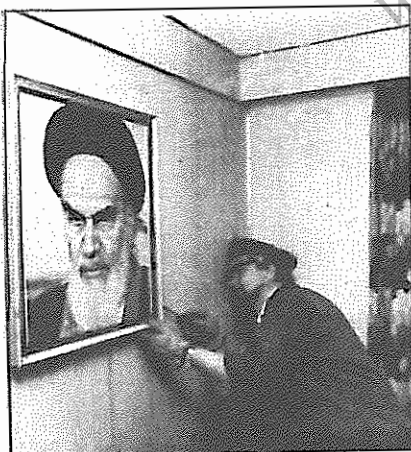
گفتای کراسیموف سخنگوی وزارت امور خارجه شوروی جمعه هفته گذشته طی مصاحبه‌ای مطبوعاتی ضمن تایید خبر امضای پروتکل اقتصادی ایران و شوروی به حصول توافق طرفین در زمینه ارائه کمک‌های تکنیکی و فنی شوروی به ایران نیز اشاره کرد.

پارچه روپوشی چه شد؟

قبل از آغاز سال تحصیلی جدید، وزارت بازرگانی اعلام کرد جهت رفاه حال اولیای دانش‌آموزان ۷ میلیون متر پارچه روپوشی توزیع می‌گردد. اکنون که چستد هفته از سال جدید تحصیلی را پشت سر گذاشتیم هیچ خبری از توزیع این پارچه‌ها نیست. این در حالی است که اولیای دانش‌آموزان بهر طریق ممکن روپوش فرزندانشان خود را تهیه کردند زیرا مدیران مدارس بهر سبب وظیفه نمی‌توانند دانش‌آموزان بدون روپوش به مدرسه راه دهند، اگر قرار است در آینده نیز چنین تسهیلاتی فراهم شود به مسئولان پیشنهاد می‌شود این پارچه‌ها همزمان با نسبت‌نام در اختیار دانش‌آموزان قرار گیرد ضمناً از مسئولان آموزش و پرورش استان تهران تقاضا می‌شود به مدیران مدارس دخترانه مجدداً یادآوری نمایند که دانش‌آموزان را مجبور نکنند که همه روپوش یک رنگ تهیه نمایند شاید خانوادای نتوانند روپوشی را به رنگ دیگری که مدنظر مدیر مدرسه است تهیه نمایند.

مادر سه دانش‌آموز

حشیش و هرویین، پشت عکس آقا



عکس، یک مامور پلیس آلمان، فدرال را نشان می‌دهد که در یکی از اتاق‌های کشتی "ایران ارشد" در بندر هامبورگ دنبال حشیش و هرویین می‌گردد. پس از این که دادستان شهر سیسل در ایتالیا در اوایل شهریور امسال فاش ساخت که جمهوری اسلامی برای تامین اسلحه با مافیا نیز زدوبند دارد و به کانکسترهای بین‌المللی، حشیش و هرویین می‌دهد تا با واسطگی آنها اسلحه به دست آورد، حساسیت ماموران مبارزه با قاچاق مواد مخدر بر روی کشتی‌های تجاری جمهوری اسلامی که به بنادر اروپا رفت و آمد دارند، بیشتر شده است.

میزگرد احزاب بزرگ دامنارک علیه جنگ خونین ایران و عراق

صحبت‌ها، دپیرکمیته صلح و دموکراسی برای مردم ایران و عراق بود. وی در سخنان خود به همکاری کشورهای غربی، منجمله دامنارک با دولت‌های حاکم بر ایران و عراق اشاره نمود و با تشریح روابط اقتصادی دامنارک و ایران به مشابهت موقعیت ایران با آفریقای جنوبی اشاره کرد. وی در بخش دیگری از سخنان خود اظهار داشت دولت ایران و عراق به علت تداوم جنگ ضدبشری سزاوار مجازات جهانی‌اند.

این میزگرد با پاسخ به سئوالات و تاکید نمایندگان احزاب کمونیست، سوسیالیست چپ و سوسیالیست مردمی بر ضرورت افزایش فشار بین‌المللی و تحریم صدور سلاح به دو کشور ادامه یافت.

در خاتمه نمایندگان احزاب شرکت‌گرفته در میزگرد نامه‌ای را خطاب به مطبوعات دامنارک امضا کردند که در پایان آن تاکید شده است "... شرکت‌کنندگان در این گردهمایی مصرأ از دولت‌های ایران و عراق می‌خواهند که بلافاصله مذاکرات صلح را آغاز نموده به جنگ خاتمه دهند." ■

در دو سال اخیر وضع تغییر کرد. پایه پای گسترش خطر منطقه‌ای شدن جنگ دیگر نمی‌توان آنرا جنگ فراموش شده نامید. ما خواهان برقراری صلح و رعایت حقوق بشر در ایران هستیم.

دپیر فراکسیون پارلمانی حزب سوسیالیست مردمی و دپیرکل حزب کمونیست دامنارک سخنان بعدی میزگرد بودند. دپیر فراکسیون پارلمانی حزب سوسیالیست مردمی گفت، ادامه این جنگ طولانی ضدانسانی و تداوم کتله و نقض حقوق بشر در دو کشور نشانه روشنی از ضدیت این جنگ با خواست مردم دو کشور است.

دپیرکل حزب کمونیست دامنارک از جنگ ایران و عراق بعنوان "یکی از حادث‌ترین بحرانی‌های موجود در جهان" یاد کرد و حضور نظامی آمریکا و اقدامات آن در منطقه را خطری جدی برای صلح در منطقه و جهان دانست. وی خواستار قطع صدور سلاح به ایران و عراق گردید و در پایان سخنان خود بر وظیفه مردم دامنارک جهت کمک به نیروهای آزادیخواه دو کشور و همبستگی با مردم ایران و عراق تاکید کرد.

آخرین سخنران دور اول

دموکراسی و یک نماینده عراقی از سوی پناهنگاران عراقی عضو این کمیته در میزگرد مژبور شرکت داشتند.

این میزگرد در ساعت ۸ شب پس از اجرای دو قطعه موسیقی ایرانی و عراقی در حضور انبوه حضار ایرانی، کرد. ابتدا نمایندگان ایران و عراق از جنگ ویرانگر و سرکوب‌خشن دموکراسی در ایران و عراق سخن گفته، خواستار تحکیم همبستگی بین‌المللی جهت محکوم کردن جنگ و متوقف کردن آن و اجرای مفاد قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل شدند.

سپس اولین سخنران دامنارکی میزگرد، از سوی حزب محافظه‌کار دامنارک سخن گفت. وی با اشاره به قطعنامه شورای امنیت بر ضرورت گسترش همکاری با سازمان ملل برای به کارگیری همه امکانات در راه صلح تاکید کرد.

سخنران دوم از حزب "چپ" خاطر نشان ساخت که در اروپا باید تبلیغات برای صلح بین ایران و عراق وسعت یابد.

هانس مکرپ سخنان بعدی جلسه بود که گفت مدت‌ها این جنگ را جنگ فراموش شده نام نهاده بودند.

به دعوت کمیته صلح و دموکراسی برای مردم ایران و عراق، روز سه‌شنبه ۲۱ شهریور ماه سال جاری نمایندگان شش حزب بزرگ دامنارک، منجمله دو حزب عمده حاکم، در یک میزگرد در کیفهاگ شرکت کردند.

نمایندگان احزاب شرکت‌کننده عبارت بودند از:

- اوله‌سون، دپیرکل حزب کمونیست دامنارک
- ویگوفیش، عضو پارلمان و نماینده حزب محافظه‌کار، حزب اصلی دولت دامنارک.

- نیت کریستوفرسون، نماینده حزب چپ‌ها، دومین حزب تشکیل‌دهنده دولت.

- ویلوسیکروسون، به نمایندگی از حزب سوسیالیست چپ دامنارک (عضو شورای شهر کیفهاگ و دپیرکمیته صلح و دموکراسی...).

- ابا استرانکه، دپیر فراکسیون پارلمانی حزب سوسیالیست مردمی (عضو کمیته صلح و دموکراسی...).

- هانس مکرپ، عضو پارلمان و نماینده حزب سوسیال دموکرات دامنارک.

همچنین یک نماینده از سوی پناهنگاران ایرانی عضو کمیته صلح و

گردهمایی در اسپانیا بخاطر صلح، علیه جنگ

پایه‌های اتخاذ سیاست ادامه جنگ از طرف خمینی و نتایج ویرانگر آن در ایران گردید. تلویزیون اسپانیا نیز به همین مناسبت مصاحبه‌ای با دونفر از شهروندان ایرانی و عراقی مقیم اسپانیا ترتیب داد که در آن در رابطه با علل شروع جنگ و ادامه آن، جنبش صلح و وضعیت عمومی جامعه در هر دو کشور صحبت شد.

حرکت اعتراضی فوق‌مورد پشتیبانی احزاب و نیروهای انقلابی و صلح‌دوست اسپانیا از جمله حزب کمونیست اسپانیا، حزب کمونیست خلقی‌های اسپانیا، کمیسیون‌های کارگری اسپانیا، کلوب دوستان بوسکو اسپانیا، اشجن صلح و خلع سلاح، کمیسیون ضد ناتو، حزب کمونیست شیلی (اسپانیا) و جنبش انقلابی چپ (میر) شیلی - اسپانیا قرار گرفت. "ایندیوخوان" فقه‌سرای صلح و آزادی آرژانتین مجری برنامه بود.

داشت برای پایان دادن به نادیده گرفته شدن حقوق ملت‌ها در کشورهای ایران و عراق قبل از هر چیز باید به جنگ هشت ساله میان دو کشور پایان داد. دو شهروند ایرانی و عراقی مقیم اسپانیا سخنان بعدی برنامه بودند که هر کدام باتکیه بر خواست فوری برقراری آتش‌بس و وجود مخالفت عظیم توده‌ای با سیاست ادامه جنگ در میان خلق‌های ایران و عراق اعلام داشتند این جنگ، جنگ خلق‌های ایران و عراق نیست بلکه جنگی است در خدمت منافع انحصارات امپریالیستی و دولت ایالات متحده آمریکا که میان دو رژیم ضدخلق و خون‌آشام خمینی و صدام حسین جریان دارد.

خبر برگزاری گردهم‌آیی اعتراضی در روزنامه‌های پرتیراژ به اطلاع عمومی رسید و در همین رابطه اشجام مصاحبه‌های رادیویی با فرستنده‌های سراسری اسپانیا افشاگر

هیچ‌یک از طرفین درگیر در جنگ ایران و عراق ارسال نکرد، و در عین حال خواستار پذیرش قطعنامه شماره ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد از جانشین ایران و عراق گردید.

نمایندگان سازمان عفو بین‌المللی و حقوق بشر سخنان بعدی برنامه بودند. نماینده سازمان عفو بین‌المللی با تکیه بر گزارش‌های جدید از وضعیت دشوار زندانیان سیاسی در هر دو کشور ایران و عراق سخن گفت و بر وجود رابطه تنگاتنگ ادامه جنگ و نقض حقوق ابتدایی زندانیان سیاسی تاکید کرد. نماینده حقوق بشر نیز اعلام داشت اتخاذ سیاست ادامه جنگ در نقض خود نقض ابتدایی‌ترین حقوق خلق‌های ایران و عراق است. او گفت در اثر ادامه جنگ در هر دو کشور ایران و عراق حقوق بشر به شکل بسیار خشنی توسط رژیم‌های حاکم نقض می‌گردد. نماینده حقوق بشر در بخش ابتدایی سخنان خود اظهار

در اعتراض به تداوم جنگ ایران و عراق، اشجن حقوق بشر اسپانیا از کلیه نیروهای صلح‌دوست و مترقی اسپانیا و همچنین ایرانیان آزادی‌خواه و صلح‌دوست دعوت کرد تا در تاریخ ۱۰ مهر در گردهم‌آیی اعتراضی علیه ادامه جنگ ایران و عراق شرکت کنند.

جمع کثیری از نیروها و شخصیت‌های صلح و ترقی اسپانیا به فراخوان حقوق بشر جواب مثبت دادند و با کار و شرکت در گردهم‌آیی صلح مراتب انزجار خود را از ادامه جنگ ایران و عراق اعلام داشتند. "خواکین روئین خیمین" شخصیت برجسته و مبارز اسپانیایی از جمله شرکت‌کنندگان در مراسم بود. او در بخشی از صحبت‌های خود فروش اسلحه به کشورهای در حال جنگ را یک جنایت خواند و اعلام داشت تمام تلاش خود را به کار خواهد گرفت تا از جانب اسپانیا هیچ‌گونه سلاحی به

اعتراضات پناهندگان ایرانی در ایالت بایرن آلمان فدرال

سازمان غفر بین الملل، جوانان
سوسیالیست ... در ایالت بایرن نام
برد.

اعتصاب غذای پناهندگان
سیاسی در روز ۲۹ سپتامبر بدنهای
دریافت قول مساعد از نماینده حزب
سوسیال دمکرات در پارلمان بایرن
خاتمه یافت. شورای هماهنگی حرکت
اعتراضی پناهندگان ایالت بایرن با
ارسال پیامی به پناهندگان
لاکهای دیگر درخواست کرد تا
تحریم چیره غذای تحمیلی را نیز تا
روشن شدن کار خاتمه دهند و تنها به
مناظره نمادی از عزم کل پناهندگان
ایالت بایرن، هایکوت در
لاکهای رکتزبورگ خاتمه نیافت.

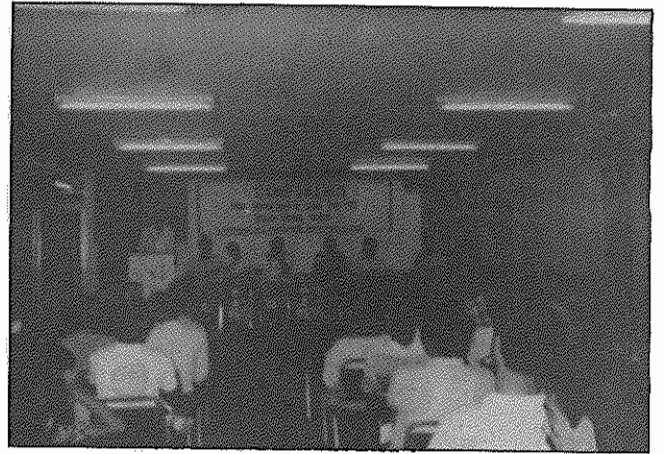
شورای هماهنگی در اطلاعیه آخر خود
اعلام کرده است. "شورای هماهنگی
بدین وسیله اعلام می کند که مبارزه
پناهندگان بایرن در آینده نیز تا
دستیابی به حقوق اولیه، انسانی و
قانونی مان ادامه خواهد یافت."
خواسته های پناهندگان ایالت بایرن
که در تقاضاها ۱۵ سپتامبر اعلام شده
بود عبارتند از:

۱ - کوتاه شدن مدت بهلا تکلیفی
و رسیدگی هر چه سریعتر به
درخواست های متقاضیان پناهندگی
سیاسی و ارسال سریع جوابها.

۲ - انسانی کردن شرایط زیست
متقاضیان پناهندگی سیاسی از طریق
انتقال پناهندگان به منازل مسکونی و
پرداخت پول بهای تحویل چیره خشک
غذا.

نشریه "اکثریت" در همبستگی با
اعتراضات پناهندگان ایرانی در
ایالت بایرن آلمان فدرال، تاکنون
در چند شماره به درج گزارش و اخبار
مربوط به اعتراضات گسترده آنان،
اقدام نموده است. همانگونه که در
شماره ۱۷۶ نشریه انعکاس یافت،
پناهندگان ایرانی در ایالت بایرن
بدنهای راهپیمایی روز ۱۵ سپتامبر و
در مقابله با سیاست بی اعتنائی محافل
و مقامات دست راستی این ایالت با
خواسته های برخی پناهندگان اقدام به
اعتصاب غذا کردند. اعتصاب غذای
پناهندگان ایرانی در شهرهای
کوبورگ، فورنبرگ و لاندس هوت
صورت پذیرفت. اعتصاب غذای
پناهندگان برخی از "لاکها" -
خواجگاه های دسته جمعی پناهندگان - تا
بیش از دو هفته ادامه یافت. اعتصاب
غذا در شهرهای یاد شده با تحریم چیره
غذایی تحمیلی در دیگر شهرها و
"لاکها" توأم گردید. خبر اعتصاب
غذا در تعدادی از نشریات و
رادیوهای محلی بازتاب یافت و در
چریان آن سازمانها، احزاب و محافل
انقلابی، مترقی، سیاسی، و مذهبی
متعدد ایالت بایرن با حضور در جمع
پناهندگان و با ارسال پیام همبستگی
از مبارزات و اعتراضات پناهندگان
ایالت بایرن اعلام پشتیبانی و
حمایت نمودند. که از جمله می توان
از حزب کمونیست آلمان، حزب
سبزها، لیست صلح، حزب سوسیال
دمکرات، کارگران سوسیالیست،

فیلیپین: کنفرانس برای خاتمه جنگ ایران و عراق



خونبار شدند.
نماینده هواداران سازمان
فدائیان خلق ایران (اکثریت) در
فیلیپین نیز در سخنان خود موضوعاتی
چون جنگ، نقش رژیم خمینی و
امپریالیسم آمریکا در آن و نقض حقوق
بشر در ایران را مورد بررسی قرار داد.
در پایان این کنفرانس
بیانیه ای صادر شد که در بخش انتهایی
آن بر اجرای خواسته های چهارگانه زیر
تاکید شده است.

- ۱ - قطع فوری جنگ ایران و عراق
- ۲ - پایان دادن به نقض حقوق بشر
- ۳ - قطع صدور اسلحه به طرفین درگیر
- ۴ - تشکیل هیاتی متشکل از نمایندگان
سازمانهای بین المللی حقوق بشر و
سازمان ملل برای رسیدگی به نقض
کنوانسیون بین المللی توسط رژیم های
دوکشور.

روز ۱۸ مهرماه در اعتراض به
جنگ ایران و عراق کنفرانسی با نام
"برای خاتمه جنگ ایران و عراق" در
دانشگاه فیلیپین برگزار شد.
در این کنفرانس نمایندگان
چند حزب و سازمان سیاسی فیلیپینی و
خارجی مقیم این کشور شرکت
داشتند که از آن جمله اند،
روملودیزون از کمیته مرکزی حزب
کمونیست فیلیپین، آنتونیو پاریس
نماینده سازمان صلح فیلیپین،
نمایندگان سازمانهای های زنان و
چروشان فیلیپین و همچنین نماینده
جبهه خلق برای آزادی فلسطین
در فیلیپین.
همه نمایندگان شرکت کننده در
کنفرانس طی سخنرانی های خود
پیامدهای ناشی از جنگ را بر شمرده
خواهان قطع بی درنگ این فاجعه

۳۱ حزب و سازمان سیاسی و فرهنگی در پلاژیک:

به جنگ و اختناق در ایران خاتمه دهید!

- انجمن دانشجویان عراقی در پلاژیک
- دانشجویان مترقی کنگو (زئیر)
- حزب کارگران انقلابی
(پوسادیت)
- غفر بین الملل - پلاژیک
- اتحادیه فی - روه های خلقی
- مراکش - پلاژیک
- دوست داران کوپا
- انجمن پلاژیک و شوروی
- حزب متحده کمونیست های هائیتی
- سازمان "دهترهای مارکسیست ها"
- انجمن پلاژیک - ویتنام
- اتحادیه پیشگامان
- فدراسیون حزب کمونیست پلاژیک -
نامور.

- دبیر اول سازمان جوانان حزب
کمونیست پلاژیک
- سفیدیای FGTE / بزرگترین
سندیکای جوانان پلاژیک
- سازمان زنان حزب کمونیست پلاژیک
- حزب کمونیست ترکیه - پلاژیک
- حزب کمونیست یونان - پلاژیک
- حزب کمونیست پرتغال - پلاژیک
- حزب کارگر ترکیه - پلاژیک
- جنبش طرفدار حقوق بشر و صلح
- "ملاقات برای صلح" (سازمان
طرفداران صلح در پلاژیک)
- حزب کارگران سوسیالیست
- انجمن جی پرتغالی در پلاژیک

خواهان اجرای خواسته های زیر
شدند.

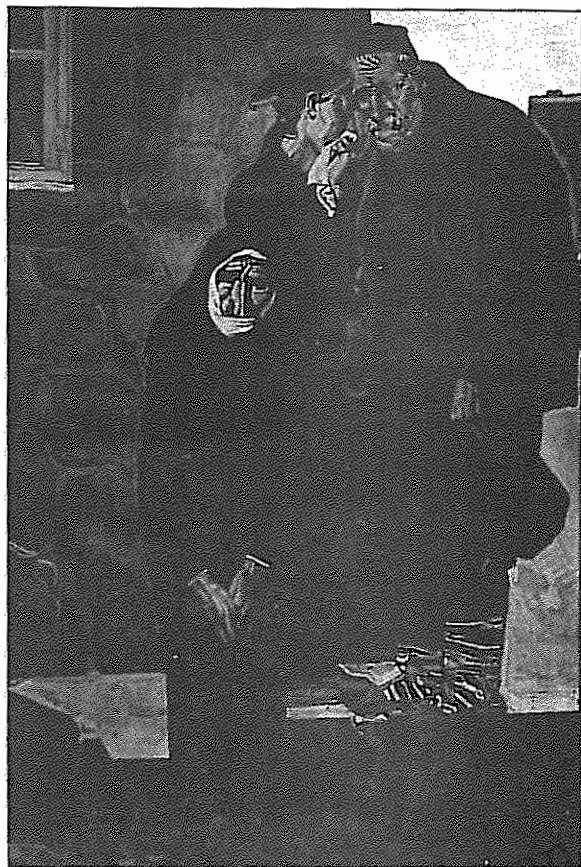
- ۱ - خروج بی درنگ نیروهای نظامی
آمریکا و متحدانش از خلیج فارس.
- ۲ - عدم فروش اسلحه به جمهوری
اسلامی.
- ۳ - قطع اعدام، شکنجه و کشتار
انقلابیون ایران.

اسامی امضاکنندگان به قرار
زیر است:

حزب کمونیست پلاژیک
حزب کمونیست شیلی - پلاژیک
حزب کمونیست اسپانیا - هر وکل
فدراسیون حزب کمونیست ایتالیا -
پلاژیک

در روزهای ۱۸ و ۱۹ مهرماه جشن
سالگرد روزنامه "پرچم سرخ" ارگان
حزب کمونیست پلاژیک در این کشور
برگزار شد.
فدائیان خلق در پلاژیک از جمله
شرکت کنندگان در این جشن بودند که
با تقدیم پیام شادباش به مسئولین
روزنامه ارگان حزب کمونیست
پلاژیک، برای مبارزه "پرچم سرخ" در
راه صلح و سوسیالیسم آرزوی پیروزی
کردند.
نمایندگان، احزاب، سازمان ها
و انجمن های شرکت کننده در این جشن
با امضای متنی تحت عنوان "به جنگ
و اختناق در ایران خاتمه دهید"

نامه‌ای از جبهه



اشرا و خاتنگ آدوازده نلش گرجی

لایحه غربت

فراق دوستانش باد و یاران
دلیم در بند تنهایی بشرود
هلاک ما چنان مهمل لرفتند
به خیل هرکه بی‌آیم بزنهار
ندانستم که در پایان صحبت
بگنج شایگان افتاده بودم
دلا گر دوستی داری بناچار
خلاف شرط یارانت سعدی
چه خوش باشد سری در پای یاری
که ما را دورکرد از دوستان
چو بلبل در قفس روز بهاران
که قتل سور در پای سواران
نمی‌بینم بجز زنه‌ارخواران
چنین باشد وفای حق‌گزاران
ندانستم که برگنجد ماران
بیاید بردنت جور هزاران
که برگردند روز تیرباران
باخلاص و ارادت جان‌سپاران
سعدی

موضع‌گیری «دیپلماتیک» به سبک آخوندی

آخوندها که همراه
امیرالایم آمریکا، خلیج فارس را به
مهمترین کانون تشنج جهان تبدیل
کرده‌اند، گاه در موضع‌گیری‌های
«دیپلماتیک» از خود نبوغ «شرعی»
به نمایش می‌گذارند. رسم جمهوری
اسلامی این است که در گزارش‌دهی
پیرامون حملات خود به کشتی‌های
غیرنظامی در خلیج فارس، یا از
«تیرغیب» یا از «ناشناس» سخن
بگویند، یا از «تیرغیب» و... تابه
پیل خود، به این حملات اعتراف
نکرده باشد. اما گاه این ملاحظات

تجربه‌ها

موانع درونی و بیرونی

میان برداشتن موانع بیرونی نباشد، اما قادر است موانع درونی برای مصمم شدن به انجام یک کار را از میان بردارد. شما ممکن است موفق نشوید از روی یک نهر بپرید. مساله این نیست، مساله آن است که آیا قادرید در درون خود، به ترس در داخل آب افتادن، غلبه کنید یا نه. شما قبل از پریدن از روی نهر، در ذهن خود از روی آن می‌پرید. نهر در ذهن شما به صورت ترس از افتادن در آب، جاری می‌شود. ابتدا از روی این نهر می‌پرید و سپس این را به واقعیت تبدیل می‌کنید.

در همین‌جا یک مشخصه مهم افراد ست اراده و توجیه کاران هویدا می‌شود. آنها مدام پرموانع بیرونی انگشت می‌گذارند، نمی‌شود، نمی‌شود، شرایط فراهم نیست، نکته اشتند، مانع شدند، ممکن نیست...

انجام یک کار یعنی رسیدن به یک هدف و برای این منظور باید موانعی از سر راه برداشته شوند. در کارهای معمولی زندگی، شاید فرد در نیاید که موانع، هم درونی و هم بیرونی هستند. اما به تجربه شخصی خود رجوع کنید، آنکه که کارخطیری در پیش رودارید. نخست درگیر یک تضاد درونی می‌شوید. نخست باید موانع احساسی و یا معرفتی از سر راه برداشته شوند، از جمله تضاد ترس و شهادت می‌بایست به نفع شهادت حل شود. تنها پس از برطرف شدن موانع درونی، برای مقابله جدی با موانع بیرونی آماده می‌شوید.

اراده را دقیقاً باید در عرصه ستیز درونی فرد، تعریف کرد. فرد با اراده آن کس نیست که قادر به انجام هر کاری است. بسیاری از موانع بیرونی را نمی‌توان صرفاً با قدرت اراده فردی، کنار نهاد و یا دور زد. فرد با اراده ممکن است قادر به از

شناخت و تعهد

راه و حمایت لفظی از یک نظر، به معنی پایبندی عملی بدان نیست. می‌توان نظری را ترویج کرد، اما خود بدان پایبند نبود. اگر چه ستکا برای توجیه کردار خود چنین سخنی گفته است، اما در آن حقیقتی است که خود او مصداق آن است. شناخت باید با تعهد درآمیزد. پروژه در مبارزه سیاسی، شناختی که پایبندی عملی همه جانبه از بی‌نیازد، گفته‌گویی و یاوه‌سرایی است. در اینجا آن کس که راه را طی می‌کند و به همه الزامات پوشش راه پایبند است، راه را می‌شناسد و شایسته آن است که نام از پی راه گیرد.

ستکا، یکی از فیلسوفان رم باستان در سده اول میلادی است. آثار او به تمامی در زمینه اخلاق و توصیف فضایل نیک است. اما او خود از نیکی بهره‌ای نداشت. مال و ثروت فراوانی اندوخت و عمری در دربار شاهان خدمتگزاری کرد تا آن که ثروتن‌ترین آشامی که ستکا می‌پوشید، فرمان قتلش را صادر کرد.

ستکا از آن جمله فیلسوفانی است که حرفشان با عملشان نمی‌خواند. او خود گفته است: آن کس که راه درستی و طریقت نیکی را می‌شناسد، الزاماً در آن کام نخواهد نهاد. داعیه شناخت راه به معنی طی

تکمیل سخن ولتر

ولتر گفته است گاه پیش می‌آید که عده‌ای انگشت‌شمار شیوه تفکر، خلیقات، و سیر تاریخ ملتی را تغییر دهند. هر این گفته می‌توان افزود، و در مقابل گاه پیش می‌آید

که یک ملت و تجربیات تاریخی آن در ابعاد توده‌ای، نمی‌تواند شیوه تفکر و خلیقات عده‌ای انگشت‌شمار را تغییر دهد.

صدمین سالگرد تولد جان رید

جان رید، گزارشگر ده روز دوران ساز



آنچنان نمونه‌وار که می‌تواند در ذهن هر فرد شرکت‌کننده در انقلاب صفحه‌های مشابیه‌ای را، که خود آن شخص شاهد آن بوده است، زنده سازد. تمام این مناظر که از زندگی گرفته شده، به بهترین وجه روحیه توده‌ها را منعکس می‌سازد. روحیه‌ای که هرکنش انقلاب‌کبیر بویژه در بطون آن مفهوم می‌گردد. او در مورد خود جان رید می‌گوید: "جان رید یک ناظر بی‌تفاوت نبود. او یک انقلابی‌پر شور، و کمونیستی بود که معنای حوادث و مفهوم نبرد بزرگ را درک می‌کرد. این درک به وی دیده‌ای تیزبین می‌داد که بدون آن نمی‌توانست چنین اثری را به وجود آورد."

جان رید در ۲۲ اکتبر سال ۱۸۸۷ در شهر پرتلند آمریکا، دیده به جهان گشود. در تابستان سال ۱۹۱۷ به عنوان خبرنگار به روسیه سفر کرد و در دل توفان به نظاره توفان پرداخت. او در میتینگ‌ها، تظاهرات و گردهمایی‌های مختلف شرکت جست. شخصا در گردهمایی‌های شوراهای پتروگراد و دومین کنگره شوراهای سراسر روسیه

لنین، در مورد کتاب "ده روزی که دنیا را تکان داد" چنین نوشته است: "با علاقه و توجهی فراوان کتاب جان رید، ده روزی که دنیا را تکان داد، را خواندم. من خواندن این کتاب را به تمام کارگران جهان توصیه می‌کنم. این کتابی است که من آرزو دارم در میلیون‌ها نسخه به چاپ برسد و به همه زبانها ترجمه شود. این کتاب حقیقی‌ترین و روشن‌ترین تصویر از حوادثی است که وقوف بر آنها برای فهم چگونگی انقلاب پرولتاریا و دیکتاتوری پرولتاریا دارای اهمیتی بسزاست."

کروپسکیا، مسر لینن، اثر درخشان جان رید را چنین توصیف می‌کند: "ده روزی که دنیا را تکان داد-چنین است عنوانی که جان رید به کتاب شایان تحسین خود داده است. در این کتاب روزهای نخستین انقلاب اکتبر به حقوق العاده روشن و پرتوانی تصویر شده است. این کتاب تنها عبارت از بیان ساده فاکت‌ها و مجموعه‌ای از اسناد نیست، بلکه رشت‌ای است از صحنه‌های زنده و

اچ‌رای کمیته‌ترین بود. او در هنگام شرکت در یکی از کنگره‌های کمیته‌ترین در شهر مسکو در گذشت و در پای دیوار کرم‌لین دفن شد.

کتاب "ده روزی که دنیا را تکان داد"، کتابی است که هرکس که بخواهد به عمق انقلاب اکتبر پی‌ببرد و تصویری زنده از حوادث آن در ذهن داشته باشد، باید بدان رجوع کند. جان رید رویدادهای بزرگ را در متن زندگی واقعی تصویر کرده است. او نشان می‌دهد که توده‌ها سازندگان تاریخند.

کتاب جان رید سرشار از تصاویر زنده‌ایست که نمونه‌ای از آن را در زیر می‌خوانید.

جان رید در تصویر زیر گزارشگر یک بحث خیابانی در روزهای توفانی انقلاب اکتبر است. دو طرف اصلی بحث عبارتند از یک روشنفکر خرده‌بورژوا و یک سرباز پلشویک.

حضور داشت. او در هنگام حمله به کاخ زمستانی و دستگیری وزرای حکومت موقت کرسکی در کنار سربازان و دریاوردان انقلابی بود. جان رید ملاقات‌های متعددی با لینن و دیگر رهبران انقلاب اکتبر داشت. او در پایان سال ۱۹۱۷ در دفتر تبلیغات انقلابی بین‌المللی کمیساریای خلق در امور خارجی به عنوان مترجم انگلیسی به کار پرداخت.

جان رید در آوریل سال ۱۹۱۸ به آمریکا بازگشت. او در آمریکا دل‌اورانه از انقلاب اکتبر در برابر یورش تبلیغاتی بورژوازی دفاع کرد. در همین رابطه بود که کتاب "ده روزی که دنیا را تکان داد" را به رشته تحریر درآورد تا گزارشی زنده از انقلاب اکتبر به دست دهد و دروغ‌های بورژوازی را بر ملا سازد.

جان رید یکی از بنیانگذاران حزب کمونیست آمریکا و عضو کمیته

فقط دو طبقه!

واقعی پرولتاریا است؟ "سرباز پاسخ داد: "آری، اینطور فکر می‌کنم". سرباز در وضع دشواری گیر کرده بود.

"خوب آقا جان! آیا تو میدانی که لینن را آلمان در یک واکن مهربوم شده فرستاده؟ تو میدانی که لینن از آلمان‌ها پول می‌گیرد؟" سرباز لجاجت‌آمیز جواب داد: "نه، من این را نمیدانم. ولی من میدانم که لینن همان چیزی را می‌گوید که ما می‌خواهیم بشنویم، و تمام مردم ساده همین را می‌گویند. آخر دو طبقه هست، پرولتاریا و بورژوازی."

"احق! من دو سال در زندان شلوسلبروک به‌خاطر انقلاب خوابیده‌ام، وقتی تو هنوز انقلابیون را به تیر می‌بستی و سرود "خدا تزار را حفظ کند" می‌خواندی. اسم من واسیلی گلوورگیه و بیچ‌پاین است. تو درباره من هیچوقت چیزی شنیده‌ای؟" سرباز با فروتنی جواب داد:

"شنیده‌ام، ببخشید! آخر من تحصیل‌کرده‌ای نیستم. شما لایق یک قهرمان بزرگ هستید!"

دانشجو قاطعانه گفت: "مبطلور است، و من با پلشویک‌ها مبارزه می‌کنم، زیرا آنها روسیه و انقلاب آزاد ما را مضمحل می‌کنند. حالا تو چه می‌گویی؟" سرباز پشت گردنش را خاراند.

"من نمی‌توانم هیچ چیز بگویم" - چهره سرباز در نتیجه تشنج فکری در کون شده بود.

"بظنر من موضوع روشن است. فقط من تحصیل‌کرده نیستم... مثل اینکه اینچنین است - دو طبقه وجود دارد، پرولتاریا و بورژوازی..."

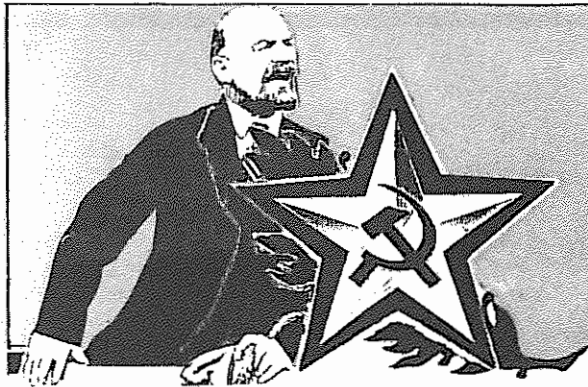
ما به شهر رفتیم. نزدیک در خروجی ایستگاه دو سرباز با تفنگ و سرنیزه ایستاده بودند. صداهای بازرگان، کارمند دولتی و دانشجو گرد آنها حلقه زده بودند. تمام جمعیت بر سر آنها فریاد می‌زد و دشنام میداد. در قیافه سربازان حالتی مشامه میشد شبیه کردکاهی که غیرعادلانه مجازات میشد.

حمله را چون بلندقامتی هدایت میکرد که لباس دانشجویی پرتن داشت و آثار عجب و تکبر از قیافه اش نمایان بود. او پرخاشگرانه میگفت: "من فکر می‌کنم برای شما روشن باشد که با اسلحه کشیدن بروی برادران خود مبدل به حربه‌ای در دست راهزنان و خائنان میشوید." سرباز با لحن جدی جواب داد:

"نه، برادر جان. شما نمی‌فهمید. آخر در دنیا دو طبقه وجود دارد، پرولتاریا و بورژوازی، مگر اینطور نیست؟ ما... دانشجو با خشونت حرف او را قطع کرد: "من با این و راجی ابلهانه آشنا هستم. دهقانان جاملی از نوع تو این شعارها را شنیده‌اند، ولی چه کسی آنها را گفته و معنای آنها چیست؟ این دیگر برای شما روشن نیست. هر چه شنیده‌ای مانند طوطی تکرار می‌کنی... جمعیت می‌خواند: "من خودم مارکسیستم، به تو بگویم آنچه شما برای آن می‌جنگید سوسیالیسم نیست. این فقط مرچ و مرچ است. این فقط به نفع آلمانها است."

سرباز جواب داد: "نه خیر، من می‌فهمم" - بر روی پیشانی او عرق نشسته بود. "شما معلوم است آدم دانشمندی هستید و من یک مرد ساده‌ای هستم. ولی فکر می‌کنم..."

دانشجو با نفرت حرف او را قطع کرد: "تو لایق فکر می‌کنی که لینن دوست



تدوین نخستین برنامه حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه^(۲)

به پیشواز هفتادمین سالگرد اکتبر بزرگ

رهایی بخش جهانی - تاریخی را تحت شرایط نوینی انجام دهد که سرمایه داری وارد مرحله امپریالیستی خود شده بود، همه تضادهای سرمایه داری رو به شدت بود و شرایط عینی برای انقلاب پرولتری شکل می گرفت. این پیکار حاوی نتایج معینی نیز در زمینه سازماندهی طبقه کارگر بود. به نوشته لنین در "چه باید کرد؟"، نوع این نتایج را مضمون فعالیت سازمان طبقه کارگر تعیین می کند. همین امر توضیح می دهد که چرا "اکونومیستها" که فعالیت طبقه کارگر را محدود به مبارزه اقتصادی با کارفرمایان و دولت می کردند، خرده کاری در عرصه تشکیلاتی را که در آن زمان مرسوم بود توجه می کردند. لنین از مبارزه جهانی - تاریخی رهایی بخش پرولتاریا چنین نتیجه گرفت که باید حزب مستحکم و متمرکز طبقه کارگر را ایجاد کرد، حزبی که پیوندی ناگسستنی با توده ها داشته باشد. وی نوشت که هسته این حزب را باید انقلابیون حرفه ای تشکیل دهند، و افزود، "به ماسازمانی از انقلابیون دهید تا ارکان روسیه را به تکان آوریم!"

اصول تئوریک و سیاسی تدوین شده توسط لنین در "چه باید کرد؟" از سوی "ایسکرا" ترویج می شد. این اصول، مبنای تدوین برنامه حزب قرار گرفت. اصول مژبور به همراه آثار برنامه ای نوشته شده توسط لنین در دهه ۹۰ قرن پیش، گامی مهم در تدارک نگارش نهایی طرح برنامه حزب از سوی "ایسکرا" بود. به پیشنهاد لنین، هیات تحریریه "ایسکرا" پلخائف را مامور تدوین بخش تئوریک برنامه و لنین را مامور تدوین بخش دهقانی کرده بود. کم کم روشن شد که لنین برخلاف پلخائف و سایر اعضای هیات تحریریه، تصورات بسیار روشنی درباره برنامه حزبی مارکسیستی که در شرایط نوین کام گذاشتن سرمایه داری روس به مرحله امپریالیستی اش، عهده دار وظیفه رهبری طبقه کارگر در مبارزه برای نابودی دژ تزاریسم و سرنوشتی پرورازی بود، داشت.

اوایل ژانویه، طرح پلخائف که در آن دیکتاتوری پرولتاریا "پیش شرط سیاسی انقلاب اجتماعی" اعلام شده بود، آماده شد.

لنین به نقادی این تر طرح پرداخت که می گفت همزمان با تضادهای سرمایه داری، نه تنها "نارضایتی طبقه کارگر" رشد می کند، بلکه همچنین این "آگاهی" گسترش می یابد که تنها خود طبقه کارگر با اتکا به نیروی خود می تواند پیوغ سلطه سرمایه را از میان بردارد. لنین متذکر شد که برخلاف نارضایتی، آگاهی خودبخود، رشد نمی کند، بلکه باید توسط حزب به میان طبقه کارگر برده شود. لنین علت این امر را در "چه باید کرد؟" مفصلاً توضیح داده بود.

لنین در چندین یادداشت بر نخستین طرح برنامه پلخائف، به برنامه ارفورت اشاره کرد و نوشت که در آن، نکته مشابه "بسیار بهتر" گفته شده

"چه باید کرد؟" در بسیاری از موارد، پاسخگوی ضروریات عینی رشد مبارزه طبقاتی همه کشورها بود و به مرحله مهمی در رشد جنبش بین المللی کارگری تبدیل شد.

لنین در مبارزه با "اکونومیستها" که در عین حال مبارزه ای با رویزیونیسم بین المللی بود، اصول سیاست انقلابی و آموزش سیاسی طبقه کارگر به مثابه پیشروترین رزمنده دمکراسی و سوسیالیسم را نیز مد دل کرد. اکونومیستها می کوشیدند جنبش کارگری روسیه را به راه تریدینو نیونیسم بکشانند و مبارزه آن را به اصلاحات، به بهبود هایی در شرایط کار و زندگی در چارچوب سرمایه داری محدود کنند. لنین با مبارزه برضد نظرات ایورتونیستی آنها، بدین امر اشاره کرد که سوسیال دمکراسی انقلابی مبارزه برای اصلاحات را همواره در فعالیت خود منظور کرده است، اما "مبارزه برای اصلاحات را تابع مبارزه انقلابی برای آزادی و سوسیالیسم می کند". لنین نادرستی نظر ایورتونیستی "اکونومیستها" مبنی بر اهمیت تعیین کننده مبارزه اقتصادی را ثابت کرد و نوشت، "مهمترین منافع و علائق "تعیین کننده" طبقات تنها می توانند از طریق تحولات رادیکال سیاسی تامین شوند، به ویژه منافع اقتصادی اصلی پرولتاریا تنها می تواند با انقلابی سیاسی تامین شود، انقلابی که دیکتاتوری پرولتاریا را جایگزین دیکتاتوری پرورازی کند".

لنین در "چه باید کرد؟" برای آموزش سیاسی طبقه کارگر به مثابه پیشاهنگ مبارزه برای دمکراسی و سوسیالیسم، اهمیت زیادی قائل شد. وی نوشت در این مبارزه، برخلاف نظر "اکونومیستها" افشای اوضاع در کارخانه ها کافی نیست. طبقه کارگر با اکتفا بدین کار نمی تواند به عنوان رهبر انقلاب پرورزا - دمکراتیک در شرف وقوع، پرورش یابد. لنین نشان داد بدین منظور، افشاگریهای سیاسی همه جانبه ای توسط یک حزب انقلابی، مهمترین پیش شرط است. چنین افشاگریهایی به پرولتاریا در رسیدن به درک روشنی از ماهیت اقتصادی و چهره سیاسی همه طبقات و افشار کمک می کند. مارتینف اکونومیست، الگوی یک سوسیال دمکرات را دپیر یک اتحادیه کارگری می دانست. لنین نوشت، "الگوی یک سوسیال دمکرات، نباید دپیر یک اتحادیه کارگری بلکه پرولتاریا باشد، تربیونی که بتواند در برابر همه مظاهر خودکامی و سرکوب، هر چا که دیده شود و علیه هر قشر و طبقه ای که باشد، واکنش نشان دهد، تربیونی که بتواند در همه این پدیده ها، تصویر کلی خودکامی پلیسی و استثمار سرمایه داری را نشان دهد، که بتواند از هر امر جزئی به منظور توضیح عقاید سوسیالیستی و خواستهای دمکراتیک خود برای همه کس و به منظور روشن کردن اهمیت تاریخی - جهانی مبارزه رهایی بخش پرولتاریا برای همگان، بهره گیرد".

پرولتاریای روس می بایست این پیکار

بقیه از صفحه آخر

کارگر، تدوین می شود. حزب مسلح به تئوری مارکسیستی وظیفه دارد آگاهی سوسیالیستی را به درون جنبش خودبخودی کارگری برده، این جنبش را به آگاهی سوسیالیستی مسلح کند و از این طریق، جنبش کارگری را با سوسیالیسم پیوند زند. برخلاف ادعای "اکونومیستها"، آگاهی سوسیالیستی خودبخود ایجاد نمی شود و خود بخود کسرتش نمی یابد. آنچه بیش از هر چیز بطور خودبخودی به کارگران تحمیل می شود، ایدئولوژی پرورزویی است که بیشترین رواج را دارد. از این رو "هرگونه تقدیس خودبخودی بودن جنبش کارگری، هرگونه تنزل نقش "عنصر آگاه"، نقش سوسیال دمکراسی" به معنای "تلقین نفوذ ایدئولوژی پرورزویی در کارگران است، صرف نظر از آن که آن کس که این نقش را تنزل می دهد، بخواهد یا نخواهد." لنین، سرچشمه ایدئولوژیک ایورتونیسم را تقدیس خودبخودی بودن جنبش کارگری و کم بهادادن به نقش آگاهی سوسیالیستی می دانست. از این رو طبق آموزش لنین، نه تبلیغ خودبخودی بودن جنبش، بلکه تقویت نفوذ ایدئولوژی سوسیالیستی در کارگران در مبارزه آشتی ناپذیر با همه اشکال ایدئولوژی پرورزویی، به ویژه با ایورتونیسم، وظیفه ای مهم در رهبری مبارزه انقلابی طبقه کارگر است. بدین ترتیب لنین، با حرکت از احکام بنیادین مارکس و انگلس و ضروریات نوین جنبش انقلابی کارگری در روسیه، مسئله پیچیده رابطه متقابل خودانگیختگی و آگاهی را در جنبش کارگری روشن کرد. پاسخ لنینی به این پرسش، که تنها در برابر جنبش کارگری روسیه قرار نداشت، از این رو اهمیت زیادی داشته و دارد که در شرایط امپریالیسم، مبارزه در راه کسب قدرت، در دستور روز قرار گرفت و گسترش ایدئولوژی سوسیالیستی در مبارزه بر ضد فشار فزونی یافته ایدئولوژی پرورزویی، اهمیت هر چه بیشتری یافت. لنین در "چه باید کرد؟" به توضیحات درست کازل کائوتسکی درباره طرح برنامه نوین حزب سوسیال دمکرات اتریش اشاره می کند. کائوتسکی در این توضیحات چنین استدلال کرده بود که "سرشار کردن پرولتاریا از آگاهی بر موقعیت و وظیفه خود، از وظایف سوسیال دمکراسی است". رابطه متقابل خودانگیختگی و آگاهی جنبش کارگری تحت شرایط جدید، تقویت نقش عامل ذهنی جنبش کارگری، نتیجه گیری های معینی را نیز در زمینه تشکیلات، استراتژی و تاکتیک حزب طبقه کارگر ایجاد می کرد. لنین در "چه باید کرد؟" و برخی آثار دیگرش بدین نتیجه گیری ها پرداخت. اما خود کائوتسکی در کتاب "برنامه ارفورت" که البته ارزشمند است، هیچ اشاره ای به استراتژی و تاکتیک که حزب باید در مبارزه برای کسب قدرت سیاسی در پیش گیرد، ندارد. این امر نشانگر آن است که لنین بدین رابطه متقابل، عمیق تر و همه جانبه تر از کائوتسکی پی برده بود.

است. لنین در مجموع، ملاحظات انتقادی زیادی درباره طرح پلخانیف نوشت. اما پلخانیف توجه کمی به این ملاحظات کرد و از این رو، طرح وی پذیرفتنی نبود.

لنن از اواخر ژانویه تا اوایل فوریه ۱۹۰۲، خود طرحی برای برنامه تدوین کرد که به "طرح فرای" معروف شد. وی چند روز بعد، در این طرح سه مورد اصلاحی وارد کرد که به نحو باز هم روشن تری، ورشکستگی و فقیر شدن تولید کنندگان کوچک، به ویژه "میلیونها دهقان" تحت شرایط سرمایه داری را بیان می کردند. این طرح لنینی برنامه ح. س. د. ک. را، تدویم و شکل مشخص شده کار او بر روی برنامه حزب در سالهای ۹۰-۱۹۰۱ بود.

پس از آنکه پلخانیف طرح دومی برای برنامه ارائه کرد، لنن این طرح را نیز مورد انتقادی جدی و اصولی قرار داد. لنن در این انتقاد به انتقاد انگلس از برنامه سوسیال دمکراتیک ۱۸۹۱ و نیز نقد برنامه کتا توسط مارکس توجه داشت. انگلس از نخستین طرح برنامه ارفورت به علت "تلاش برای تلفیق دو امر تلفیق ناپذیر - برنامه و تفسیر برنامه" انتقاد کرده و متذکر شده بود که برنامه باید "حتی المقدور کوتاه و دقیق" باشد. لنن نیز چنین انتقادی از طرح برنامه ح. س. د. ک. رد داشت. وی نوشت: "کمبود عمومی و مهمی که این طرح را غیر قابل قبول می کند، به نظر من کل نحوه نگارش آن است، زیرا این طرح نه برنامه یک حزب عمل در حال مبارزه، بلکه نوعی اعلام اصول است."

لنن در انتقاد خود خاطرنشان کرد که در طرح برنامه، از سرمایه داری بطور کلی سخن رفته است، اما "تکامل سرمایه داری روسیه، تضادها و فجایع اجتماعی ایجاد شده توسط سرمایه داری روسیه تقریباً به کلی محکوم گشته شده و مخدوش شده اند." این امر، مقایسه با انتقادات لنن از برنامه بود، زیرا مبارزه بر علیه سرمایه داری روس، نه بطور عام، بلکه تنها بطور مشخص انجام می پذیرفت، و طبقه کارگر روسیه نیز تنها می توانست از طریق مبارزه مشخص با سرمایه داری روسیه وظیفه پرولتری بین المللی خود را انجام دهد. اما بدین منظور، برنامه می بایستی به روشنی می گفت که سرمایه داری در روسیه صرف نظر از همه بقایای سروز، به شیوه تولید مسلط تهدیل شده است. لنن نوشت: "برنامه باید حاوی دیدی کلی و خط راهنمایی برای تبلیغ علیه سرمایه داری روس باشد." تز نادرست مندرج در طرح پلخانیف مبنی بر اینکه "در روسیه سرمایه داری هر چه بیشتر به شیوه تولید مسلط تهدیل می شود"، اجازه نتیجه گیری نادرستی می داد، حاکی از آنکه هر آنچه در برنامه پیرامون قانونمندیهای عام سرمایه داری گفته می شود، فاقد ارتباطی مستقیم با سرمایه داری روسیه است و سوسیال دمکراسی برای تحقق برنامه اش هنوز باید انتظار بکشد.

لنن با قاطعیت با فرموله بندیهایی که پرولتاریا را در "توده زحمتکش و استثمار شده" حل می کرد و مبارزه توده زحمتکش و استثمار شده را به جای مبارزه طبقاتی پرولتاریا می نشانده، مخالفت ورزید. لنن نشان داد که برخلاف آنچه در طرح پلخانیف آمده بود، سخن گفتن مثبت از خصلت انقلابی خرده بورژوازی درست نیست، زیرا خرده بورژوازی، همانگونه که مارکس و انگلس ثابت کرده اند، تنها زمانی انقلابی است که موضع خود را ترک کند و در موضع پرولتاریا قرار گیرد. لنن خواهان آن بود که در برنامه، به خصلت دوگانه خرده مالکان اشاره شود و همانند "مانیفست حزب کمونیست"، نقش ویژه پرولتاریا در جنبش انقلابی

و نیز خصلت پرولتری حزب او برجسته شود. این امر با توجه به تلاشهای اپورتونیستها برای به خدمت گرفتن جنبش کارگری به سود اهداف بورژوازی، اهمیت زیادی داشت. تاکید بر نقش ویژه پرولتاریا توسط احزاب کمونیست، با توجه به تلاشهای روبریونیستی کنونی برای نشان دادن "پلوک های جدید تاریخی" و غیره به جای نقش رهبری پرولتاریا، اهمیت اصولی خود را تاکنون حفظ کرده است.

در طرح دوم پلخانیف، همچنین اشاره به ضرورت برقراری دیکتاتوری پرولتاریا که در نخستین طرح آمده بود، وجود نداشت. لنن به این کمبود مهم اشاره کرد و افزود که "پذیرش ضرورت دیکتاتوری پرولتاریا به نحوی تلنگاتنگ و ناگسستنی با این حکم "مانیفست کمونیستی" در پیوند است که تنها پرولتاریا طبقه ای واقعا انقلابی است."

انتقاد لنن نشان می دهد که مقصود وی، برنامه ای واقعا انقلابی بود که حتی روزنه ای نیز برای اپورتونیسم باز نگذارد. از این رو لنن از فرموله بندیهای تجریدی و مبهم که از بیان صریح آنچه حزب می خواست با برنامه پدان دست یابد، طفره می رفتند، انتقاد می کرد. در طرح، به جای به عقب رانده شدن واحدهای کوچک توسط واحدهای بزرگ، از افزایش اهمیت اقتصادی واحدهای بزرگ و محدود شدن نقش تولید کنندگان کوچک در سرمایه داری سخن رفته بود. چنین فرموله بندی ای به نوشته لنن از این روناد درست بود که می توانست در خواننده این تصور را ایجاد کند که روند به عقب رانده شدن، "روندی بدون درد است". وی نوشت: "برنامه حزبی مبارزه که توده دهقانان را خطاب قرار می دهد باید با روشنی و صراحت بگوید که سرمایه آنها را تبدیل به "نوکران و خراج گزاران" خود می کند، به خاک سیاهان می نشاند و به حقوق پرولتاریا می راند." لنن نوشت: "و تنها از چنین فرموله بندی بطور اجتناب ناپذیر این نتیجه حاصل می شود: تنها راه نجات شما پیوستن به حزب پرولتاریاست." این فرموله بندی پیشنهادی لنن، همچنین شامل مرز بندی روشنی با همه تلاشهای روبریونیستی برای پایدار و قادر به رشد قلمداد کردن واحدهای دهقانی بود.

لنن به جای فرموله بندی نامعین طرح "آزادی همه بشریت تحت ستم"، پیشنهاد کرد هدف نهایی همانگونه فرموله بندی شود که مارکس در نقد برنامه کتا توصیه کرده و انگلس نیز در نقد برنامه ارفورت بر آن پای فشرده بود: "محو همه تمایزات طبقاتی و نابرابری ناشی از آنها."

لنن در مورد بندی از طرح که حکومت خودکامه تزاری را توصیف می کرد پیشنهاد کرد به جمله "حکومت خودکامه بدترین دشمن مبارزات آزادیخواهانه طبقه کارگر است" عبارت "... و رشد فرهنگی تمام خلق" افزوده شود. از این طریق بیان می شد که "سوسیال دمکراسی نه تنها از منافع طبقه کارگر، بلکه از منافع کل روند تکامل اجتماعی دفاع می کند."

از آنجا که دو طرح برنامه، هم طرح لنن و هم طرح پلخانیف، و ملاحظات انتقادی لنن بر طرح پلخانیف به هیات تحریریه "ایسکرا" ارائه شده بود، به ابتکار و از سوی تصمصیم گرفته شد یک کمیسیون "هماهنگی" ایجاد شود تا طرح واحدی برای برنامه ح. س. د. ک. تهیه کند. کمیسیون، طرح پلخانیف را مبنای کار خود قرار داد و ملاحظات لنن درباره طرح برنامه کمیسیون و نیز ملاحظات تکمیلی او را نیز منظور داشت. لنن در ملاحظات خود بدین ضرورت اشاره کرد که رابطه پرولتاریا با سایر اقشار زحمتکش و استثمار شده باید به درستی تعیین شود. لنن در

"ملاحظات تکمیلی پیرامون طرح برنامه کمیسیون" نوشت بدین منظور "ضرورت مهم دارد که نخست با همه مرز بندی کنیم و تنها و تنها صرفاً پرولتاریا را مجزا کنیم و آنگاه اعلام کنیم که پرولتاریا همه را آزاد خواهد کرد، همه را فرامی خواند، همه را مخاطب قرار می دهد." برجسته کردن موقعیت طبقاتی ویژه پرولتاریا و ضرورت جدا کردن او از همگان در آغاز، برای این امر که پرولتاریا با دفاع پیکر از مشی طبقاتی خود، همه توده های زحمتکش دیگر را رهبری کند، حائز اهمیت زیادی بوده و هست. لنن این ضرورت را در همان نخستین آثار برنامه ای خود، "دوستان خلق" بیان داشت و چگونه با سوسیال دمکراتها مبارزه می کنند؟" و "وظایف سوسیال دمکراتهای روس" مستدل کرد. لنن بارها به تکرار این ضرورت پرداخت، از جمله در آثاری نیز که پس از برپایی قدرت شوروی نوشت.

پیشنهادهای لنن، که مهمترین آنها وارد طرح تصحیح شده برنامه شد، تدوین طرح برنامه ای واقعا مارکسیستی را که در آن مبارزه برای برپایی دیکتاتوری پرولتاریا تصریح شده بود، امکان پذیر کرد. موضوع انتقاد لنن از طرحهای برنامه، مسائل اصولی مبارزه جنبش کارگری بود و ویژگیهای سرمایه داری روسیه، نقش رهبری طبقه کارگر در جنبش دمکراتیک و نیز رابطه طبقه کارگر با همه توده های زحمتکش دیگر، به ویژه دهقانان، حین تدارک انقلاب. اختلاف نظرها درباره این مسائل اصولی، ریشه در برخورد متفاوت به مسئله هژمونی پرولتاریا داشت.

این برخورد متفاوت، در بررسی مقاله "برنامه دهقانی سوسیال دمکراسی روس" نیز که در آن لنن بخش دهقانی طرح برنامه را که توسط خود او تدوین شده بود، تفسیر کرد و به ایرادهای مخالفان "ایسکرا" پاسخ داد، بازتاب یافت. مخالفان "ایسکرا" ایرادات خود را متوجه مقاله "حزب کارگری و دهقانان" لنن، نخستین طرح برنامه دهقانی، منتشره در "ایسکرا" شماره ۲، می کردند.

لنن در کتاب خود درباره "دوستان خلق" خواست بازپس گیری زمین هایی را که در سال ۱۸۶۱ پس از به اصطلاح آزادی دهقانان، توسط ملاکین به غارت رفته بود، و نیز خواست سلب مالکیت از زمین داران و ملی کردن اراضی را مطرح کرد. خواست آخر، که بیش از همه پیش می رفت، تنها از طریق یک قیام دهقانی فراگیر تحقق پذیر بود. اما چنین قیامی در آن زمان هنوز وجود نداشت. لنن در آثار برنامه ای بعدی خود، برنامه بازپس گیری زمین های غصبی را مطرح کرد. هدف از این برنامه، محو یکی از علل اصلی نظام بهره کشی و جلب همه دهقانان به شرکت در انقلاب بورژوا - دمکراتیک بود. وی خواستهای برنامه دهقانی را تابع دوش شرط کرد: "اولا به محو بقایای سروز بیانجامد و ثانياً به گسترش آزادانه مبارزه طبقاتی در روستا پیاری رسانند."

برنامه ارضی مصوب هیات تحریریه "ایسکرا" شامل موارد زیر است:

۱- لغو غرامت و بهره مالکانه و همه قروض دیگری که امروز بر دوش دهقانان به مثابه قشر بدهکار، قرار دارند؛

۲- لغو مسئولیت جمعی و همه قوانینی که مانع استفاده آزاد دهقان از زمین خودند؛

۳- بازپرداخت همه مبالغی که به صورت غرامت و بهره مالکانه از مردم گرفته شده است و بدین منظور مصادره املاک کلیسا و نیز وضع مالیات مخصوص در مورد اراضی بزرگ مالکانی که از وام های غرامت استفاده کرده اند و پرداخت مبالغ عاید به صندوق بقیه در صفحه بعد

تدوین نخستین برنامه

بقیه از صفحه قبل

ملی و ویژه‌ای برای مصارف فرهنگی و خیریه در روستاها.

۴- تشکیل کمیته‌های دهقانی با هدف

الف - اعاده آندسته از اراضی که هنگام لغو سرواژ، از زمینهای دهقانان جدا شده و از سوی ملاکین بعنوان ابزار سلطه بر دهقانان مورد استفاده قرار می‌گیرند، به جوامع روستایی، از طریق مصادره، و یا اگر اراضی معامله شده‌اند، با پرداخت غرامت.

ب- محو بقایای سرواژ که در اورال، آلتای، مغاطی غرب و سایر مناطق امپراتوری پرجامانده‌اند.

۵- اختیار دادن به دادگاهها برای کاهش اجاره‌های بیش از حد بالا و اعلام لغو قراردادهای دارای خصلت اسارت‌آور.

نکته محوری برنامه دهقانی، بند چهارم بود. بیشترین ایرادات مخالفان "ایسکرا" مانند مارتینف، ریازائف، ماسلف و سایرین نیز متوجه این بند بود. آنها مخالف هر موفی پرولتاریا در انقلاب بورژوا-دمکراتیک بودند، و از این روستادفی نبود که با برنامه دهقانی‌ای که برای تحقق مژمونی پرولتاریا، برای رهبری دهقانان توسط پرولتاریا اهمیت تعیین کننده داشت، مخالفت ورزند.

ایرادات آنها را لنین به‌ویژه در مقالات خود بنام "برنامه دهقانی سوسیال دمکراسی روس" و "پاسخ به انتقاد از طرح برنامه" پاسخ داد. در خود تحریریه "ایسکرا" نیز هنگام بحث درباره طرح برنامه دهقانی و مقاله لنین، "برنامه دهقانی سوسیال دمکراسی روس"، اختلافاتی پیش آمد. لنین از خواست اعاده اراضی دهقانی از طریق انقلابی و توسط کمیته‌های دهقانی در برابر پیشنهاد رفرمیستی پلخانف مبنی بر باز خرید این اراضی دفاع کرد. لنین نوشت، "هرگاه جای پرداخت غرامت را باز بگذاریم، اعاده اراضی دهقانی به عنوان اقدامی انقلابی و فوق العاده را به سطح یک "رفرم" کاملاً معمولی و بی ارزش تقلیل می‌دهیم."

بیشترین تأکید لنین بر این بود که این اقدام، از طریق انقلاب بورژوا-دمکراتیک صورت پذیرد و بدین ترتیب، زمینه برای آزادانه‌ترین گسترش مبارزه طبقاتی در روستا هموار شود. همه خواستهای برنامه دهقانی، تابع این امر بود. لنین درخواست محوری برنامه دهقانی، یعنی "محدود کردن اسارت و باز پس دادن اراضی غصبی به دهقانان" از طریق تشکیل کمیته‌های دهقانی، نه هدف نهایی و نه یک دیوار، بلکه دری را می‌دید. وی در مقاله‌اش با عنوان "به تهدیدستان روستا" نوشت، "باید نخست از این در بگذریم تا بتوانیم پیش‌تر رویم، تا بتوانیم در رمای هموار و عریض شاهه آخر برویم، تا آزادی کامل همه کارگران و زحمتکشان در روسیه."

لنن بر این عقیده نبود که باید همیشه، حتی هنگام اعتلای جنبش انقلابی دهقانی، به اعاده اراضی غصبی به دهقانان اکتفا کرد. وی خاطر نشان می‌کرد که سوسیال دمکراتها فکر "گرفتن همه زمین‌ها از ملاکین" و انتقال آنها به دهقانان راجح هر شرایطی رد نمی‌کنند. وی در تفسیرش پیرامون برنامه دهقانی این امکان را گوشزد کرد که هرگاه قیام انقلابی صورت گیرد، خواست ملی کردن اراضی مطرح شود. "این خواست - اگر از آن تعبیری بورژوایی و نه سوسیالیستی داشته باشیم - در واقع "فراتر" از خواست اعاده اراضی غصبی است، و ما در اصل کاملاً با آن موافقیم. بدیهی است در لحظه انقلابی معین، ما نیز از طرح آن اجتناب نخواهیم کرد."

پلخانف، آکسلرود، مارتف و زاسولیک در

تحریریه "ایسکرا" با همه این اندیشه‌های لنینی که از درک آنها عاجز بودند، مخالفت می‌کردند. همه آنها خواست ملی کردن اراضی را تنها در درگروشی سوسیالیستی درست می‌دانستند. مارتف می‌گفت، "ما ملی کردن اراضی را تنها مقدمه پلافصلی بر اجتماعی کردن همه ابزار تولید می‌دانیم." پلخانف به نظر مارتف پیوست و پیشنهاد کرد در برنامه نوشته شده، "در یک دولت پلیسی، ملی کردن اراضی مضر است، و در یک دولت دارای قانون اساسی نیز این خواست چرخی از خواست ملی شدن همه ابزار تولید خواهد بود." وی ملی کردن را اقدامی ارتجاعی می‌دانست. پلخانف و سایر اعضای تحریریه "ایسکرا" درک نمی‌کردند که لنین این شعار را با پیروزی بر حکومت خودکامه تزاری، با ایجاد ارکانهای قدرت انقلابی و دمکراتیک کارگران و دهقانان تلفیق می‌کرد. در شرایط استبداد تزاری، ملی کردن اراضی، استعداد را تقویت می‌کرد و البته واقعاً ارتجاعی می‌بود. اما در شرایط پیروزی انقلاب بورژوا - دمکراتیک، با ملی شدن اراضی شرایط مساعدی برای آزادانه‌ترین گسترش مبارزه طبقاتی ایجاد می‌شد. از این رو لنین به پلخانف، مارتف و آکسلرود چنین پاسخ می‌داد، "همیشه هر ملی کردنی "ارتجاعی" نیست." بعدها به روشنی نشان داده شد که ملی کردن اراضی پس‌د دهقانان بود و حتی از سوی خود آنها مطالبه می‌شد. از این رو رد اصولی این خواست، بناگزی به چشم‌پوشی از نقش رهبری پرولتاریا و اتحاد پرولتاریا با دهقانان در انقلاب بورژوا - دمکراتیک می‌انجامید. از این رو لنین، مسئله ملی کردن اراضی را در آن زمان نیز که هنوز بر وارد کردن آن به برنامه اصرار نمی‌ورزید، بسیار مهم می‌دانست.

برنامه مسئله ملی فیو که لنین در مقالات منتشره در "ایسکرا" تحت عناوین "آیا پرولتاریای یهودی به "حزب سیاسی مستقل" نیاز دارد؟"، "مانیفست سوسیال دمکراتهای ارمنی" و "مسئله ملی در برنامه" تدوین کرد، در پیوند تنگاتنگ با تحقق مژمونی پرولتاریا قرار داشت.

لنن در مقاله "مسئله ملی در برنامه ما" به مبارزه با نفرات حزب سوسیالیست لهستان پرداخت که خواستار استقلال ملی بی‌قید و شرط لهستان بود. لنن در مبارزه با موضع ناسیونالیستی این حزب، از جمله به برخورد طبقاتی مارکس و انگلس به این مسئله در سال ۱۸۷۸ اشاره کرد. مارکس و انگلس نه تنها خواستار استقلال لهستان، بلکه همچنین خواهان جنگ آلمان با روسیه برای آزادی لهستان بودند. لهستان در آن زمان، بیشتر از دمکراسی، "بخش انقلابی روسیه ارتیش و پیروس" شده بود و "ایجاد لهستانی دمکراتیک ... شرط مقدم ایجاد آلمانی دمکراتیک" بود.

در عین حال لنن به شرایطی که از آن زمان به بعد تغییر کرده بود اشاره می‌کرد و خواهان آن بود که "از شیوه‌های پژوهش مارکسیستی در تحلیل اوضاع جدید سیاسی استفاده شود." بر پایه چنین تحلیلی لنن نوشت که پرولتاریا باید خواهان برابری حقوقی کامل همه شهروندان، صرف‌نظر از ملیت آنها، و حق تعیین سرنوشت برای همه ملی‌ها شود که جزئی از دولت واحدند. وی افزود، "اما پذیرش نامشروط مبارزه برای آزادی تعیین سرنوشت به هیچ وجه ما را متعهد به حمایت از هر خواست استقلال ملی نمی‌کند." مارکسیستها، خواست استقلال ملی را مانند هر خواست دمکراتیک دیگر، تابع منافع مبارزه طبقاتی پرولتاری می‌کنند. لنن تأمین وحدت جنبش پرولتاری و پیوند تنگاتنگ کارگران همه ملل را مهمتر از همه چیز می‌دانست، زیرا "تنها چنین اتحادی، آزادی کامل سیاسی و اقتصادی"، از جمله آزادی ملی

را تضمین می‌کند. لنن در مقاله "آیا پرولتاریای یهودی به "حزب سیاسی مستقل" نیاز دارد؟"، که با ناسیونالیسم "بوند" و اهداف فدراتیو آن مبارزه می‌کرد، نوشت، "ما باید در مسائل مربوط به مبارزه با استبداد ... مبارزه با پروژواوی سراسر روسیه به مثابه سازمان مبارزه واحد متمرکزی عمل کنیم، ما باید به تمام پرولتاریا، صرف‌نظر از زبان ملیت، به پرولتاریایی که باید از طریق حل مشترک و دائمی مسائل تئوریک و عملی و پاتاکتیکی و سازمانی انسجام یافته باشد، متکی باشیم."

بدین طریق، طرح برنامه ح. س. د. ک. ر که لنن در تدوین آن نقش تعیین کننده ای داشت، نوشته شد. این طرح، شامل جمع بندی علمی از تجارب مبارزه پرولتاریای روس و بین‌المللی بود. لنن نوشت، "پساری از سوسیالیستی بزرگ، در تدوین آموزش سوسیال دمکراتیک که توسط مارکس و انگلس به کمال رسید، شرکت کردند. کارگران همه کشورها بسیار چیزها از سر گذارندند تا تجربه‌ای را که ما امروز از آن استفاده می‌کنیم و می‌خواهیم مبنای برنامه‌مان قرار دهیم، کسب کردند." طرح برنامه، در ژوئن ۱۹۰۲ در "ایسکرا" منتشر شد. اکثریت سازمانهای سوسیال دمکرات فعال در روسیه از این طرح استقبال کردند. طرح از سوی نمایندگان کنگره دوم ح. س. د. ک. ر که در ژوئیه و اوت ۱۹۰۲ تشکیل شد، مورد تصویب قرار گرفت. بررسی و تصویب طرح برنامه توسط نمایندگان کنگره، نشان داد این امر چقدر درست و ضروری بود که پیش از آن در تحریریه "ایسکرا" و با کمک "ایسکرا" نژده همه طرفداران نشریه درک روشنی از مسائل اصولی حزب ایجاد شود. این امر در دفع همه حملات اپورتونیستها علیه طرح برنامه توسط طرفداران ایسکرا در کنگره، به ویژه توسط لنن و پلخانف، نقش مهمی داشت. برای ما در چارچوب این مقاله پرداختن مفصل به این مباحث امکان پذیر نیست. این امر در آثار مورخان شوروی انجام شده است. از سوی دیگر برای ما چشم‌پوشی از اشاره به این مباحث نیز امکان پذیر نیست زیرا بررسی طرح برنامه "ایسکرا" توسط نمایندگان - با اینکه در آنها تغییرات ویراستاری جزئی وارد شد - بخش مهمی از روند تدوین برنامه حزب بود و دفاع از طرح توسط لنن و سایر ایسکریست‌ها در کنگره، تأثیر عده‌ای بر تصمیم تاریخی نمایندگان کنگره دوم ح. س. د. ک. ر داشت.

این امر که ۹ جلسه کنگره تنها به بررسی طرح برنامه پرداخت، نشانگر آنست که برای اثبات نادرستی ایرادات اپورتونیستها و تبدیل طرح ارائه شده از سوی تحریریه "ایسکرا" به خط راهنمای الزام‌آور عمل انقلابی برای همه اعضای حزب، نهدی شدید و همراه با نیروی اقناعی سترگی از سوی لنن و همفکرانش ضرورت یافت. این ایرادات، متوجه نکات اصولی طرح برنامه بود، نکاتی که به میزان ویژه‌ای، تعیین کننده خصلت انقلابی برنامه بیک حزب طراز نوین بودند. نقش رهبری حزب مارکسیستی در جنبش رهایی بخش پرولتاریا، صدور حکم مبنی بر تشدید شبی و مطلق فلاکت توده‌ها در سرمایه‌داری، خواست دیکتاتوری پرولتاریا، حق تعیین سرنوشت ملل و نیز اتحاد طبقه کارگر با دهقانان.

مارتینف "اکونومیست" علیه نقش رهبری حزب موضع گرفت و در این رابطه بوندیستها و سایر نمایندگان "راپوچه‌پدلو" از او پشتیبانی می‌کردند. مارتینف کماکان بر نظرش مبنی بر اینکه آگاهی سوسیالیستی در طبقه کارگر به تنهایی و خودانگیخته رشد خواهد کرد، پافشاری کرد. از این

رو روی پیشنهاد می‌کرد واژه "آگاهی" در چایی از برنامه که می‌گفت با رشد تضادهای جامعه بورژوازی، نارضایتی زحمتکشان نیز رشد می‌کند، اضافه شود. همانگونه که لنین توضیح داد، چنین تغییری در برنامه این را القا می‌کرد که فعالیت آگاهانه کارگران می‌تواند مستقل از نفوذ سوسیال دموکراسی رشد کند. در آن زمان، بی‌پایه بودن ایرادات مارتینف از سوی مارتف و پلخانف نیز نشان داده شد. اما این دو پس از کنگره متأسفانه از این موضع اصولی مارکسیستی دست کشیدند. دفع حملات اپورتونیستی علیه مهمترین پند برنامه، دارای بیشترین اهمیت بود. "پیش شرط‌ناگزیر این انقلاب اجتماعی، دیکتاتوری پرولتاریاست، یعنی تسخیر قدرت سیاسی توسط پرولتاریا که او را قادر خواهد کرد هرگونه مقاومت استثمارگران را سرکوب کند." آکیموف که با این تز مخالفت می‌کرد، استدلال این بود که در هیچ برنامه احزاب سوسیال دموکرات اروپای غربی، خواست دیکتاتوری پرولتاریا را نیافته است. در واقع نیز در برنامه‌های همه احزاب دیگر بین الملل دوم، دیکتاتوری پرولتاریا، که ضرورت آن را برای گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم، مارکس به ویژه در فقه برنامه گنا مستدل کرده بود، مسکوت گذاشته شده بود. در برنامه ارفورت سوسیال دموکراسی آلمان نیز این خواست وجود نداشت. کائوتسکی، مفسر برنامه ارفورت، در کتاب خود بنام "برنشتاین و برنامه سوسیال دموکراتیک" که در آن زمان در بحث با ویربونیسم برنشتاین نقش مثبتی ایفا کرده، فوشت و "ما می‌توانیم با آسودگی خاطر تصمیم‌گیری درباره مسئله دیکتاتوری پرولتاریا را به آینده واگذار کنیم." برنشتاین، دیکتاتوری پرولتاریا را به عنوان لغازی بی‌معنی رد می‌کرد. چشم‌پوشی احزاب سوسیال دموکرات اروپای غربی از خواست دیکتاتوری پرولتاریا، راه اپورتونیسم را هموار کرد و همانطور که متعلق حکم می‌کرد، در سایر مسائل اصولی نیز به انحراف از مارکسیسم انقلابی انجامید. موضع‌گیری مارتینف و آکیموف در کنگره نشان داد که اینان، طرفدار ویربونیسم‌های اروپای غربی بودند و می‌خواستند در این آموزش‌های اصلی مارکسیسم، از جمله نظریه تشدید مطلق و نسبی فلاکت توده‌ها در سرمایه‌داری، تشدید نظر کنند. لنین خاطرنشان کرد که نظرات آکیموف و مارتینف "فلا (و به حق) اپورتونیسم قلمداد شده‌اند. آنها دیگر به "رد" تئوری تشدید فلاکت و نیز "نفی" دیکتاتوری پرولتاریا نیز رسیده‌اند." تروتسکی به لحاظ صوری در مسئله دیکتاتوری پرولتاریا علیه آکیموف موضع می‌گرفت، دیکتاتوری پرولتاریا را تنها زمانی ممکن می‌دانست که حزب و طبقه کارگر ناحیه زیادی بر هم منطبق باشند و طبقه اکثریت ملت را تشکیل دهد. این، برخوردی رفرمیستی به دیکتاتوری پرولتاریا، و در واقع چشم‌پوشی از آن بود.

کنگره، ایرادگیریهای اپورتونیستی را رد، و حکم بنیادین مارکسیستی دیکتاتوری پرولتاریا را وارد برنامه حزب کرد. پس از اسناد برنامه‌ای مارکس و انگلس، برنامه ح. س. د. ک. رنخستین برنامه انقلابی در تاریخ جنبش بین‌المللی کارگری بود که در آن "امر دیکتاتوری پرولتاریا ... به روشنی و صراحت طرح شده بود، آن هم، به گونه‌ای که لنین بعدها خاطرنشان کرد، "به وضوح در رابطه با مبارزه علیه برنشتاین، علیه اپورتونیسم".

بحث کنگره درباره ارزیابی و تحلیل درست اصول دموکراتیک (حق رای و غیره) نیز از اهمیت برخوردار بوده و هست. دو تن از نمایندگان، پوسادفسکی و پلخانف، قاطعانه با "مجرد" قلمداد

کردن و "ارزش مطلق" قائل شدن برای این اصول که مورد تمایل برخی نمایندگان، از جمله یگوروف بود، مخالفت می‌کردند.

پلخانف در آن زمان به درستی خاطرنشان می‌کرد که برای یک انقلابی، موفقیت انقلاب بالاترین ارزش است و "پرولتاریا در انقلاب در صورت ضرورت، سرمایه‌داران را از حق رای محروم و هر پارلمانی را که معلوم شود ضدانقلابی است، متفرق خواهد کرد".

در مورد مسئله ملی که برای کشوری چند ملیتی مانند روسیه اهمیت بسیار زیادی داشت، مباحثی جدی در گرفت. بوندیستها می‌خواستند پند اصلی برنامه در مورد این مسئله، یعنی "حق تعیین سرنوشت برای همه مللی که چزیی از اتحاد دولتی‌اند" را تغییر دهند. یکی از بوندیستها بخام گولدبلات پیشنهاد کرد به این خواست، عبارت "و تاسیس نهادهایی که آزادی کامل ملت‌ها را در رشد فرهنگی تضمین کنند" افزوده شود. این "تقصیر" که از خودمختاری فرهنگی مطروحه توسط سوسیال دموکراسی اتریش به عاریت گرفته شده بود، خواست انقلابی برنامه را که در پیوند با سرنوشتی استبداد تزاری قرار داشت، تهدیل به خواستی رفرمیستی می‌کرد، به جدا کردن پرولترهای ملیت‌های مختلف از یکدیگر یاری می‌رساند و آنها را در معرض نفوذ روشنفکران ناسیونالیست بورژوازی قرار می‌داد. اصل فدراتیو ساختار حزبی نیز که بوندیستها از آن دفاع می‌کردند و کنگره آن را پیش از بررسی برنامه با اکثریت عظیمی رد کرده بود - زیرا به تفرقه صفوف حزب پرولتری انترناسیونالیست پناهی مشخصات ملی می‌انجامید - در پیوفد با همین "تقصیر" قرار داشت. کنگره همچنین پیشنهاد نمایندگان سوسیال دموکراسی لهستان و لیتوانی را که با حق تعیین سرنوشت ملل مخالفت می‌کردند، رد کرد. برداشت آنها از حق تعیین سرنوشت این بود که این امر با تجزیه آزادی برابر است و پناهی این واهمه داشتند که این شعار، اتحاد برادرانه کارگران روسیه و لهستان را به خطر افکنده، تنها در خدمت پروروازی لهستان قرار گیرد. لنین پیش از کنگره روشن کرده بود که مارکسیستها از هر خواست تعیین سرنوشت ملی، پشتیبانی نمی‌کنند و این خواست را تابع منافع مبارزه طبقاتی پرولتری می‌دانند. اما نمایندگان لهستانی قادر به درک این نبودند که رد حق تعیین سرنوشت به معنای یاری رساندن به شوونیسم عظمت طلبانه روس بود.

با پذیرش پند مسئله ملی برنامه که لنین آن را مدلل کرد، مبنای مهمی برای تربیت زحمتکشان همه خلقهای روسیه و اتحاد آنها با پرولتاریای روس ایجاد شده بود. در عین حال، از این طریق تئوری مارکسیستی غنی‌تر، و یک اصل راهنمای مهم و همه شمول پد آن افزوده شد.

در مورد برنامه دهقانی، بحثهای بسیار شدیدی در گرفت. بعدها لنین نوشت در این بحثها "مبارزه ایسکریست‌ها علیه دو پنجم نمایندگان کنگره" دیده می‌شد. برنامه دهقانی تدوین شده توسط لنین که وظایف اصلی و تک‌تک خواستهای آن را پیش از این ذکر کردیم، برای تحقق مؤثری پرولتاریا در انقلاب پروروا - دموکراتیک، اهمیت تعیین‌کننده داشت. خواستهای برنامه متوجه آن بودند که به کلیه دهقانان در مبارزه علیه سلسله ملاکین و استبداد تزاری کمک شود، آنها به انقلاب برانگیخته و تهدیل به متحدان طبقه کارگر شوند. لنین با دوراندیشی سترگی گفت: "ما اعتقاد داریم با توجه به این امر که سوسیال دموکراسی اینک مبارزه برای منافع دهقانان را آغاز کرده است، در آینده می‌توانیم روی این حساب کنیم که توده دهقانان عادت کنند در سوسیال

دموکراسی، مدافع منافع خود را ببینند." اپورتونیستها انواع و اقسام ایرادها به برنامه دهقانی را مطرح می‌کردند. اگر چه ایرادات بوندیستها، اکوتومیستها و سافتنیستها به برنامه دهقانی متفاوت بود، اما همه آنها در اساس علیه اتحاد طبقه کارگر با دهقانان بود. به ویژه مارتینف، لیبر، ماخوف و یگوروف با برنامه دهقانی مخالفت می‌کردند. در اینجا تنها به سه مورد ایرادات آنها اشاره می‌کنیم. مارتینف می‌گفت "ایسکرا" با برنامه خود در مورد اراضی غصبی تنها می‌خواهد یک "بی‌عدالتی تاریخی" را اصلاح کند و از این طریق "سایر بی‌عدالتی‌های تاریخی" بطور غیرمستقیم توجیه خواهند شد. لنین در پاسخ خود در کنگره گفت سخن تنها بر سر "چهران یکی بی‌عدالتی تاریخی" نیست، و افزود "آنچه مورد نظر ماست ... بقایای موجود سراز در پیرامون ما، واقعیت امروزین، و آن چیزی است که هم اکثرین مانع و کند کننده مبارزه رهایی‌بخش پرولتاریاست." ماخوف سافتنیست می‌گفت اصلاً نیازی به برنامه دهقانی نیست، و در استدلال خود می‌افزود: "اگر مخاطب ما پرولتاریای دهقانی است، می‌توانیم او را با بخش عمومی برنامه خطاب قرار دهیم. اما اگر روی سخن ما با بخش دیگر، بخش غیرپرولتری دهقانان است، ما که چیزی نداریم به آنها عرضه کنیم. از این رو من پیشنهاد می‌کنم برنامه دهقانی در کلیت خود رد شود." کاملاً واضح است که ماخوف و سایر اپورتونیستها در این مسئله نیز برنامه‌های سوسیال دموکراتهای اروپای غربی را که آنها نیز فاقد برنامه دهقانی بودند، رهنمون قرار می‌دادند. یگوروف می‌گفت: "شما نمی‌توانید کارگران روستایی را مجبور کنید ... دوشادوش دهقانان شروتمند برای بازپس‌گیری زمین‌هایی که بخش نه چندان کمی از آنها دیگر در دست همین دهقانان شروتمند است، مبارزه کنند." لنین در اثر خود "یک کام به پیش، دو کام پس" که در آن مباحث پیرامون برنامه دهقانی را نیز تحلیل می‌کرد، خاطرنشان کرد که آن‌ها درباره "موضع تئوریک و تاکتیکی" "ایسکرا" اصلاً نیاندیشیده بودند و "مبتدل کردن مارکسیسم در کاربست آن در مورد پدیده پیچیده و چند چاشنه‌ای مانند ساختار امروز اقتصاد دهقانی روسیه، و نه اختلاف نظر در مسائل جزئی، ... ریشه عدم درک این برنامه" بوده و هست. اما اکثریت نمایندگان، این برنامه رادیکل کردند. شادروستی همه ایرادات به برنامه دهقانی، در سخنرانی‌های لنین، پلخانف، گوسف و نیز نمایندگان قفقازی که به تاکید لنین "موضع کاملاً درستی اتخاذ کردند" ثابت شد، به گونه‌ای که برنامه دهقانی با اکثریت قاطعی مورد تصویب کنگره قرار گرفت. همچنین خرده‌گیریهای اپورتونیستی به بخش آخر برنامه که در آن آمده است حزب سوسیال دموکرات "از هر جنبش انقلابی مخالف، که علیه نظام اچشماهی و سیاسی موجود در روسیه باشد، پشتیبانی می‌کند"، زد شد.

کل برنامه حزب تنها با یک رای متعین تصویب شد. بدین ترتیب، دومین کنگره ح. س. د. ک. ر بنیان مستحکم حزب بلشویک را به مثابه نخستین حزب طراز نوین نهاده، راه سرنوشتی ترارسیم و سرمایه‌داری در روسیه رادرمشخصات اصلی آن ترسیم کرد. برنامه واحد، متشکل از برنامه حداکثر و حداقل است که در بخش تئوریک بگونه‌ای علمی مستدل شده است.

نخست، خصلت بین‌المللی جنبش رهایی بخش پرولتری نشان داده شده و اعلام می‌شود که "سوسیال دموکراسی روس که خود را گردانی از ارتش جهانی پرولتاریا می‌داند"، همان هدف نهایی را بقیه در صفحه بعد

توفان در بورس های سهام سرمایه داری

بقیه از صفحه اول

اقتادند.

بانک های مرکزی آمریکا و آلمان فدرال نرخ های بهره خود را کاهش دادند. اما این کوشش ها هنوز نتوانسته است چشم انداز روشنی برای آینده بازار بورس را به همراه آورد. در روز پنج شنبه ۲۲ اکتبر شاخص های پایین ترین میزان خود از آغاز بحران را نشان می داد. (شاخص نرخ سهام بدین گونه تعیین می شود که روز معینی در ماه و سال معینی را مبداء می گیرند و میانگین بهای سهام مختلف را با میانگین آن روز می سنجند). در ایالات متحده، اعلام شد که تنها در این کشور از آغاز بحران جاری ۱۰۰ میلیارد دلار ضرر عاید سهامداران شده است.

هنوز قابل پیش بینی نیست که وقایع جاری بورس های سهام سرمایه داری به بحرانی مشابه بحران ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۲ پیچش پیدا کند. اما با اطمینان می توان گفت همان علی که باعث "جمعه سیاه" شدند، به "دوشنبه سیاه" انجامیده اند.

تقریباً در همه شاخه های اقتصاد، در سراسر جهان سرمایه داری،

ظرفیت های اضافی ایجاد شده است. سال هاست که این ظرفیت های اضافی نه کاهش، که افزایش می یابند. هر شرکت می کوشد با امروزی ترین تکنیک، موقعیت خود را در بازار حفظ کند. در عین حال در سال های اخیر دست زده ها نیز کاهش یافته اند. این بدان معنی است که ظرفیت های تولید رشد کرده، اما قدرت خرید مردم از آن عقب مانده است. محصولات، خریدار ندارد و ظرفیت ها بلا استفاده مانده اند. پس کارگران را اخراج می کنند، بازم قدرت خرید کاهش می یابد. رقابت سخت، مدرنیزه کردن و اتوماتیزه کردن تولید را ضروری می کنند. بازم اخراج... بر این همه، باید افزایش عمق دره میان کشورهای رشد یافته و عقب مانده جهان سرمایه داری را نیز افزود. بحران قروض ده ها میلیارد دلاری، تنهایی شاخص آن است. این تنش ها اینکه به نقطه ای رسیده است که لااقل در آمریکا امکان بروز یک بحران سخت اقتصادی می رود. از هنگام روی کار آمدن ریگان،

برنامه تسلیحاتی دولت وی فشار زیادی به اقتصاد وارد آورده است. برای تامین مخارج تسلیحات، میزان بهدکاری دولت آمریکا همه رکوردهای تاریخ را شکست. ریگان در طول ریاست جمهوری خود، بیش از مجموع همه روسای جمهور پیشین آمریکا (در ۲۰۰ سال!) برای دولت آمریکا بدهی به بار آورده است. عواقب این امر، شدید است. نرخ های بالای بهره، افزایش یافت. نرخ های بالای بهره، سرمایه را از همه کشورهای سرمایه داری به آمریکا جذب کرد. نرخ دلار در سال های نخست حکومت ریگان افزایش یافت. این، یکی از علل اصلی بحران قروض کشورهای "جهان سوم" بود، اما در عین حال صادرات آمریکا را با دشواری روبرو کرد. آمریکا دچار کسری موازنه تجارت خارجی می شود.

دولت آمریکا فاجعه تلاش برای خروج از تنگنا شد. اما مخارج تسلیحات کاهش نیافت. بانک مرکزی آمریکا مبالغ بیشتری اعتبار در اختیار دولت قرار داد و نرخ بهره را پایین آورد. جریان سرمایه به آمریکا کاهش یافت، اما بر صادرات این کشور افزوده نشد. بحران بر جای خود باقی ماند. قدرت خرید مردم در سراسر جهان سرمایه داری، بیش از آن

کاهش یافته بود که این گونه اقدامات بتواند راه چاره ای باشد.

هم زمان با درگیر شدن آمریکا در بحران خلیج فارس - که به معنای افزایش بازهم بیشتر هزینه های نظامی است - ریگان باردیگر افزایش نرخ های بهره را برای کاهش کسری موازنه تجارت خارجی اعلام کرد. وی در عین حال کشورهای اروپای غربی را تهدید کرد در صورت افزایش نرخ بهره در این کشورها، برای کالاهای آن ها محدودیت ورود به آمریکا وضع خواهد کرد. برای برخی کشورهای اروپای غربی نظیر آلمان فدرال، و نیز ژاپن، که اقتصاد آن ها سخت به صادرات وابسته است، این، تهدیدی جدی است. از یک سو آن ها به علت جلب سرمایه به آمریکا از منابع سرمایه گذاری محروم خواهند شد و از سوی دیگر دسترسی به بازار بزرگ ایالات متحده برای آن ها دشوارتر می شود.

چه توفان در بازارهای سهام سرمایه داری ادامه یابد چه فروکش کند، رویدادهای هفته گذشته باردیگر نشان داد که بحران اقتصاد سرمایه داری، بحرانی ژمن و مهلک است. این بحران، اوج گیری و فروکش دارد، اما پایان ندارد.

تدوین نخستین برنامه...

بقیه از صفحه قبل

دنیا می کند که سوسیال دمکرات های همه کشورها در راه آن می ریزند. سپس سرمایه داری با تناقض ها و تضادهای آشتی ناپذیر طبقاتی اش که به انقلاب سوسیالیستی می انجامد، مورد تشریح دقیق قرار می گیرد. برنامه، به رسالت تاریخی طبقه کارگر می پردازد و خاطر نشان می کند که انقلاب اجتماعی پرولتاریا، مالکیت اجتماعی را جانشین مالکیت خصوصی بر ابزار تولید می کند، روند تولید اجتماعی را در خدمت رفاه و رشد همه جانبه جامعه، به گونه ای با برنامه سازمان می دهد، تقسیم جامعه به طبقات را لغو می کند و به هر گونه استثمار پایان می بخشد. دیکتاتوری پرولتاریا، یعنی تسخیر قدرت سیاسی توسط پرولتاریا که به او امکان می دهد هر گونه مقاومت استثمارگران را درهم شکند، شرط انکار برای انقلاب اجتماعی خوانده می شود.

در برنامه، به نقش فوق العاده مهم حزب سیاسی مستقلی اشاره می شود که مبارزه طبقاتی پرولتاریا را در همه اشکال پیدایش آن رهبری می کند و در عین حال، همه اقشار زحمتکش را که در موضع پرولتاریا قرار می گیرند، به پیوستن به صفوف خود فرا می خواند.

در بخش تئوریک، این حکم آمده است که در روسیه، سرمایه داری به شیوه تولید مسلط تبدیل شده است. از این امر، این نتیجه حاصل می شود که تحلیل از سرمایه داری پکنه ای که در برنامه آمده است، شامل سرمایه داری در روسیه نیز هست. این نکته، در برنامه حد اکثر که در آن از هدف نهایی حزب،

بار سنگین آن مستقیماً بر دوش دهقانان بود، و نیز برای یاری رساندن به گسترش مبارزه طبقاتی در روستا، آمده اند. در آخرین بخش برنامه، اندیشه لنینی هژمونی پرولتاریا در انقلاب بورژوا-دمکراتیک آینده بدین گونه بازتاب یافته است: "حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه، که دستیابی به اهداف سیاسی و اقتصادی خود را دنبال می کند، از هر جنبش مخالف و انقلابی که علیه نظام اجتماعی و سیاسی موجود در روسیه باشد، پشتیبانی به عمل می آورد."

کل روند تدوین برنامه ح. س. د. ک. رونیز تزه های اصلی آن نشان می دهد که این برنامه، برنامه ای لنینی است که مشی انقلابی مارکس و انگلس را با توجه کامل اوضاع بین المللی در آغاز قرن بیستم ادامه می دهد. اهمیت بنیادین این برنامه برای مبارزه طبقه کارگر در همه کشورها نیز ناشی از همین است. این برنامه، حزب پلشویکا را برای مبارزه با تزاریس و سرمایه داری، برای برپایی قدرت شوری از طریق انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر مسلح کرد و تهاشمین کتکره حزب کمونیست روسیه (پلشویک) که دومین برنامه حزب را تصویب کرد، مهمترین سند مبارزاتی پلشویکا بود. این برنامه در عین حال با تر اصلی خود درباره دیکتاتوری پرولتاریا و همه تزه های دیگر که پیوندی ناگسستنی با این تر دارند، نظیر طرح همه جانبه و دقیق وظایف حزب پرولتاری میثابه حزب طراز نویین، پیوند مبارزه دمکراتیک و سوسیالیستی؛ خواستهای مربوط به متحدان طبقه کارگر و غیره، کل چغش بین المللی کارگری را در مبارزه برای دمکراسی و سوسیالیسم تقویت کرد.

پایان

انقلاب اجتماعی و ضرورت دیکتاتوری پرولتاریا سخن رفته است، بازتاب می یابد. در عین حال، در بخش تئوریک به بقایای متعدد نظام سراز، به ویژه به حکومت مطلق تزاری که هر جنبش اجتماعی را سرکوب می کرد و سرخست ترین دشمن همه اهداف آزادیخواهانه پرولتاریا بود، اشاره می شود. محور این بقایا از طریق سرکونی حکومت مطلق تزاری و استقرار جمهوری دمکراتیک به جای آن، به عنوان وظیفه مقدم تعیین شده، بخش اصلی برنامه حداقل حزب را تشکیل می دهد. این خواست و همه خواستهای برنامه حداقل، در پیوند ناگسستنی با برنامه حد اکثر که دیکتاتوری پرولتاریا را پیش شرط انکار برای انقلاب اجتماعی اعلام می کند، قرار دارد. تحقق خواستهای مطروحه برنامه حداقل، به مبارزه برای تحقق برنامه حد اکثر، یاری می رساند. از این طریق، برنامه واحد، مبارزه برای دمکراسی را با مبارزه برای سوسیالیسم پیوند می داد. این، کاربست و گسترش مهمترین اندیشه نقادانه فریدریش انگلس درباره برنامه ارفویت بود که می گفت: "اگر چیزی حتمی باشد، این است که حزب ما و طبقه کارگر تنها می تواند در شکل جمهوری دمکراتیک به حکومت برسد. این حتی شکل ویژه دیکتاتوری پرولتاریاست."

خواستهای برنامه حداقل، بر بخش عملی برنامه، متشکل از سه قسمت، آمده است. در نخستین قسمت، خواستهای عام دمکراتیک مربوط به نظام دولتی تعیین شده اند؛ در قسمت دوم، خواستهای برای حفظ طبقه کارگر در برابر تهاجمات مسلح کننده جسمی و اخلاقی و نیز رشد توانایی آن برای پیکار رهایی بخش مطرح شده اند؛ در سومین قسمت برنامه حداقل، خواستهایی برای محو بقایای نظام سراز که

دبیر کل حزب کارگر ترکیه درگذشت



در روز دهم اکتبر رفیق بهیجه پور، دبیر کل حزب کارگر ترکیه در پروکسل پایتخت بلژیک درگذشت. رفیق پور، ۱۹۱۰ متولد شد. وی به عنوان یکی از برجسته ترین چهره های جنبش کارگری و جنبش زنان ترکیه شناخته شده بود و سالهای متعددی را در زندان گذراند. رفیق پور، درگذشته در پارلمان ترکیه عضویت داشت. فدائیان خلق ایران (اکثریت) در بلژیک با شرکت در تشییع جنازه رفیق پورگان مراتب همدردی خود را اعلام کردند.

حزب کارگر ترکیه در آینده نزدیک با حزب کمونیست ترکیه وحدت خواهد کرد. بر اساس اطلاعاتی که از سوی حیدر کوتلو دبیر کل حزب کمونیست ترکیه و بهیجه پور، دبیر کل انتشار یافت، وحدت دو حزب به فرجام رسیده و تشکیل "حزب کمونیست متحد ترکیه" مراحل پایانی خود را می گذراند. قرار است وحدت دو حزب و تشکیل "حزب کمونیست متحد ترکیه" به زودی مورد تأیید کنگره های دو حزب قرار گیرد.

درگذشت رهبر حزب کمونیست بنگلادش

رفیق محمد فرهاد، دبیر کل حزب کمونیست بنگلادش در روز دهم اکتبر در مسکو بر اثر حمله قلبی درگذشت. وی در تاریخ ۱۰ اوت برای معالجه به اتحاد شوروی انتقال یافته بود. محمد فرهاد عضو پارلمان بنگلادش بود.

اخبار کوتاه

● جرج شولتز، وزیر خارجه آمریکا در مسکو با رهبران شوروی دیدار و پیرامون طرح قرارداد برچیدن سلاح های میان برد و سایر مسائل جهانی و دوجانبه، گفتگو کرد.

● آفریقای جنوبی بار دیگر در نبرد میان نیروهای دولتی و ضد انقلابیون آنگولا شرکت کرد. هواییهای جنگی رژیم آپارتاید، مناطقی از آنگولا را بمباران کردند.

● در روز شنبه ۱۷ اکتبر، ۷۰ هزار نفر از مردم رم علیه حضور کشتی های جنگی ایتالیایی در خلیج فارس دست به تظاهرات زدند. این تظاهرات به دعوت حزب کمونیست و سایر احزاب چپ ایتالیا صورت گرفت.

دومین کنگره انس حزب دمکراتیک خلق افغانستان

کرد. نجیب در سخنرانی خود گفت در مرحله دوم سیاست آشتی ملی، شکل گیری بلوک چپ دمکراتیک ادامه یافته، مکانیزمی برای همکاری با احزاب مختلف تدوین شده و دولتی ائتلافی و نیز ارگانهای ائتلافی اداره محلی تشکیل خواهد شد. رهبر ح. د. خ. اظهار داشت عدم تشکیل کنگره حزب از هنگام نخستین کنگره حزب در ۲۲ سال پیش، عادی و مطابق با معیارهای زندگی حزبی نیست. نجیب اعلام کرد در شش ماه نخست اجرای برنامه آشتی ملی، ۶۲ هزار مهاجر افغانی به کشور بازگشته و ۲۵ هزار مخالف مسلح، سلاحهای خود را به زمین گذاشته اند. ۱۳۳۵ روستا گسست خود را از ضد انقلاب اعلام کرده به دولت پیوسته اند. رهبر افغانستان افزود واشنگتن از هیچ کوششی برای اخلاف در این روند فروگذار نمی کند.

در روز سه شنبه ۲۸ مهرماه، دومین کنگره انس حزب دمکراتیک خلق افغانستان با تصویب برنامه و اساسنامه جدید حزب به کار خود پایان داد. ۶۷۷ نماینده کنگره که سازمانهای حزبی ۲۹ استان و کابل را نمایندگی می کردند، در طول مباحث سه روزه کنگره انس، به ویژه به مسائل مربوط به شتاب بخشیدن به روند آشتی ملی و تحکیم وحدت حزب و نیز اوضاع اقتصادی پرداختند. کنگره دوم ح. د. خ. ا. برای سال آتی فراخوانده شد. این کنگره، به مباحث تکامل حزب به مثابه حزب پیشاهنگ، خواهد پرداخت. دکتر نجیب دبیر کل حزب در کنگره انس حزبی آمادگی رهبری افغانستان برای مذاکره با برخی از نمایندگان ائتلاف هفتگانه را که در برگیرنده بخش اعظم نیروهای مخالف دولت افغانستان است، اعلام

پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

پایانی پلنوم توسط وی ایراد شد. پلنوم، تئزهای اصلی و نتیجه گیریهای نطق کارپاف را تأیید کرده، مصوبه ای در مین راستا گذراند. پلنوم با درخواست حیدر علی اف مبنی بر معاف کردن او از وظایف عضو دفتر سیاسی به علت باز نداشتن، موافقت کرد.

در روز چهارشنبه ۲۱ اکتبر، پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در مسکو تشکیل شد و به مسائلی در ارتباط با برگزاری هفتمین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر و نیز برخی مسائل روز پرداخت. به گزارش خبرگزاری شوروی تاس، میخائیل کارپاف دبیر کل حزب در این پلنوم درباره هر دو موضوع، سخنانی ایراد کرد. همچنین نطق

حمام خون در جافنا

زده و زخمی شده اند. هیچ گزارش در باره شمار کشته شدگان غیر نظامی منتشر نشده است. مردمی که از جافنا گریخته اند، خبر از تعداد بسیار زیاد قربانیان غیر نظامی جنگ می دهند. خبرنگاران، همچنان از ورود به منطقه جنگی منع می شوند. راجیو گاندی نخست وزیر هند طی دیداری از آمریکا گفت نیروهای دولتش تا زمانی که چایا وارد نه رئیس جمهور سری لانکا بخواهد، در این کشور خواهند ماند. وی افزود ارتش هند در یک یا دو هفته آینده بر جافنا تسلط خواهد یافت.

نبرد خونین میان ارتش هند و چریکهای تامیل در جافنا، مهمترین شهر بخش تامیل نشین سری لانکا ادامه دارد. یک سخنگوی دولت هند در دهلی نو اعلام کرد نیروهای هندی هر سه ساختمانهای مهم جافنا تسلط یافته، به استحکام مواضع خود در مرکز شهر پرداخته اند. دولت سری لانکا مدعی شد که نیروهای هندی در خارج شهر جافنا یک پایگاه مهم چریکهای تامیل را به تصرف در آورده اند. به گزارش رادیوی دولتی سری لانکا، ۶۰۰ تن از تامیل ها و ۱۵۰ تن از نیروهای هندی در جریان

تظاهرات میلیونی صلح در ژاپن

به سه اصل مربوط به غیر هسته ای بودن ژاپن و برچیدن پایگاههای آمریکایی شده، اعلام کردند با تمام قوا برای جلوگیری از تکرار فحاشی مانند هیروشیما و ناگازاکی خواهند رژیمید.

در پاسخ به فراخوان مشترک حزب کمونیست و حزب سوسیالیست ژاپن، بیش از یک میلیون تن از شهروندان این کشور در سراسر ژاپن در روز چهارشنبه ۲۱ اکتبر با شرکت در تظاهراتی خواهان جلوگیری از جنگ هسته ای و نابودی سلاحهای هسته ای شدند. در توکیو، گردهمایی پرشکوهی با نام "اقدامات مشترک برای صلح" و با شرکت اعضای احزاب سیاسی، سازمانهای توده ای و جنبش های صلح برگزار شد. در استانهای فوکوشیما، سائیتاما، نیپیکاتا، ناگانو و ایواته صد ها هزار تن ضمن تظاهرات خواهان وفاداری

شکست سخت ضد انقلاب نیکاراگوئه

و نیز تعدادی غیر نظامی که اکثر آنها را کودکان تشکیل می دادند، کشته شدند. آدگار کامورو، یکی از رهبران پیشین ضد انقلاب نیکاراگوئه، پس از اعلام غفوع عمومی، از آمریکا به نیکاراگوئه بازگشت.

۹۱ تن از نیروهای کنترا، ضد انقلاب نیکاراگوئه، در تلاش فاجعه آمیز برای نابودی یک پل مهم استراتژیک در شرق ماناگوا و تصرف ۵ روستا به شکست رسیدند. مقامات نظامی نیکاراگوئه اعلام کردند پیش از ۹۰۰ ضد انقلابی در عملیات مزبور شرکت داشتند. در جریان نبرد، ۲۰ سرباز ارتش خلق

جمهوری اسلامی و مسئله بیسوادی

محصول علم دوستی سرمایه، بلکه محصول منطق افزایش سود است. همین منطق سود در کشورهای عقب مانده زمانی که با سطح رشد فرهنگی جامعه درمی آمیزد میتواند بی اعتنائی نسبی به مسئله بیسوادی و با هر پدیده اجتماعی دیگری را به ارمان آورد. روستائیان بنابه نحوه گذران زندگی خود، و زنان در جامعهی نظیر ایران - و بویژه در سایه حکومت مردسالارانه جمهوری اسلامی - قربانیان اصلی این هیولای محاسب می آیند.

رژیم ستشاهی نیز در امر "پیکار با بیسوادی" چاروچنگال بسیاری به راه انداخت. اما کارنامه عملکرد "سیاه دانه" و اقدامات دیگر رژیم شاه این بود که ۵۲ درصد کل جامعه ایران در سال ۱۳۲۵ بیسواد ماندند و بسیاری از کم سوادی رنج بردند. حکومت جمهوری اسلامی که خود لانه تجمع علم گریزان و بی سوادان است پس از براه انداختن چاروچنگال فراوان در خصوص نهضت سواد آموزی بقیه در صفحه ۵

هیولای بیسوادی در حکومت جمهوری اسلامی، حکومتی که پایه هایش بر اشاعه خرافه و چهل استوار است و ریشه در عقب ماندگی های اجتماعی دارد، چگونه ای مداوم پروار می شود. جامعه ایران امروز از دردهای پیشاری در رنج است و از آن بین بیسوادی دردی مزمن و جدی است. حادثه لحظه نیست، اما بی گمان مسئله لحظه عم هست. جمهوری اسلامی این هیولا را از رژیم ستشاهی به ارث برد و چون خود نیز پسان رژیم سلف خود، مرگ خود را در آگاهی توده ها می دید، به پروار کردنش نشست.

شیوه برخورد سرمایه با بیسوادی - چون دیگر پدیده های اجتماعی - از یک منطق برخورددار است. یگانه منطق سرمایه، سود است و سود آن چیزی است که علت فعالیت تمامی کنش و واکنش های مستقیم و غیرمستقیم اقتصادی و اجتماعی را توضیح می دهد. از میان رفتن بیسوادی در جوامع سرمایه داری پیشرفته، نه



تدوین نخستین برنامه
حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه
(۲)
به پیشواز هفتادمین سالگرد اکتبر بزرگ

اختصاص دارد، درج کردیم. در این شماره، ترجمه بخش دوم (آخر) این فصل را می آوریم. کتاب مزبور، نوشته جمعی از دانشمندان اتحاد شوروی و آلمان دمکراتیک است.

★ ★ ★

بودن جنبش را اثبات کرد. به نظر "اکونومیستها"، مجموعه تلاشهای ایدئولوگها، "حتی اگر از بهترین تئوری و برنامه ها الهام گرفته باشند"، نمی تواند جنبش را از راهی که تاثیر متقابل محیط پیرامون و عناصر تعیین می کند، منحرف کند. لنین نشان داد "که آگاهی در این تاثیر متقابل و در این تعیین سهیم است". بنابر این، مبارزه برای تاثیرگذاری آگاهی سوسیالیستی بر این روند ضروری است. مقاله "بحثی با مدافعان اکونومیس" پیش نویسی بر اثر "چه باید کرد؟" بود که در آن لنین، اهمیت سترگ آگاهی سوسیالیستی و تشکیلات راپاری تحقق اهداف طبقاتی پرولتاریا روشن کرد. این اثر، حاوی استدلال های چانه ای برای ضرورت وجود حزب پرولتاری طراز نوین بود، حزبی که بتواند مبارزه طبقاتی را در همه اشکال پدید آید آن رهبری کند.

بدین منظور قبل از هر چیز لازم بود که حزب طبقه کارگر برای تئوری انقلابی و تکامل بخشیدن بدان اهمیت درجه اول قائل شود چرا که بنابه آموزش لنین، نقش پیشاهنگ تنها می تواند "برعهده حزبی باشد که تئوری پیشرفته ای را رهنمون قرار دهد". تئوری سوسیالیستی، توسط نمایندگان به لحاظ علمی آموزش دیده طبقه "اکونومیستها" در مورد خود بخودی

در شماره گذشته، نخستین بخش از فصل آخر کتاب "برنامه حزبی انقلابی - وحدت کارگری انقلابی" را که به تدوین برنامه لنینی حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه

هنگام تعهد در سپهری، در لنین این فکر به پختگی رسید که در شرایط روسیه تزاری که هیچ گونه آزادی سیاسی وجود نداشت، ایجاد حزبی طراز نوین باید با انتشار نشریه ای انقلابی، که "نه تنها مروی جمعی و مهملی جمعی، بلکه همچنین سازماندهی جمعی" باشد، آغاز شود. بدون چنین نشریه ای، هیچ سازمان فراگیر کل جنبش کارگری، تحقق پذیر نبود. "ایسکرا"، نشریه حزبی سراسر روسیه، این وظیفه را به عهده گرفت. این نشریه در ایجاد حزب لنین، در درهم شکستن "اکونومیس" و مبارزه با روبزبونیسم بین المللی نقش برجسته ای ایفا کرد. به ابتکار لنین، در میات تحریریه "ایسکرا" طرح نهایی برنامه حزب نیز تدوین شد.

لنین در "ایسکرا" با صراحت و دقت، چگونه ای علمی، چانه دار و همه فهم، با نظرات نادرست "اکونومیستها" که "ایسکرا" را متهم به پرپها دادن به نقش ایدئولوژی کرده، منکر ضرورت مبارزه سیاسی و نیز ضرورت وجود حزب سیاسی طبقه کارگر می کردند، مبارزه و اهمیت سترگ تئوری انقلابی و حزب مسلح بدان را برای مبارزه طبقاتی پرولتاریا، مدلل کرد. لنین در مقاله "ایسکرا" بنام "بحثی با مدافعان اکونومیس"، نادرستی نظرات "اکونومیستها" در مورد خود بخودی

چاقو کشان خمینی حادّه آفرینی می کنند

روژ چهارشنبه ۸ مهر ۲۰ سپتامبر) اوپاش انجمن اسلامی شهر پروچا در ایتالیا با ضرب و جرح یک فدایی خلق در این شهر نموده تازه ای از تلاشهای چاقو کشان و اپستکان پاندهای مزدور رژیم خمینی را به نمایش گذاشتند.

انزوا و رسوایی جهانی رژیم چنایکار خمینی که مبارزه افشاگرانه نیروهای انقلابی ایرانی در خارج کشور سهم شایسته ای در گسترش آن ایفا نموده، خشم حیوانی رژیم را تا مرز چنن برانگیخته است. رژیم سالانه ۲۰۰ میلیون دلار صرف اداره

کانونهای تروریستی و پرورش پاندهای مزدور خود منجمه انجمن های اسلامی می کند. عملکرد خود فروختگان وابسته به این انجمن ها که شاگردان کوشای خمینی در اوپاشگری، جاسوسی و دشمنی با منافع خلق های ایرانند، تهلور هراس رسته آمیز حکومت فقها از افشاگری های مبارزین ترقیخواه ایرانی در خارج کشور است.

آنچه در ایتالیا رخ داد نمایانگر چهره ای از این هراس بود. واقع شهر پروچا انزوا فراروان بقیه در صفحه ۵

برای اشتراك نشریات «کار» و «اکثريت» در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده
و همراه با معادل بهای اشتراك، تمبر پستی و یارسید باتکی
پرداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

اروپا	دیگر نقاط	بهای اشتراك	نشریه «کار»:
۱۴ مارک	۱۶ مارک	☐ شش ماهه	☐ یک ساله
۲۷	۳۰		
اروپا	دیگر نقاط	بهای اشتراك	نشریه «اکثريت»:
۳۳ مارک	۳۶ مارک	☐ سه ماهه	☐ شش ماهه
۶۴	۷۰	☐ یک ساله	☐ یک ساله
۱۲۵	۱۳۸		

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

AKSARIYAT
NO.180
MONDAY, 26 OCT, 87

آدرس:
Address:
RUZBEN
POSTFACH 1810
5100AACHEN
W.GERMANY

حساب بانکی
AUSTRIA - WIEN
BAWAG
(BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT)
NR. 02910701.650
DR. GERTRAUD ARTNER

با جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید